

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

بهرام رحمانی
۱۹ سپتمبر ۲۰۱۸

ماه محرم، ماه غلبه احساسات و خرافات بر منطق انسانی و ماه تبلیغ و ترویج خشونت و جنگ طلبی است!

آغاز سخن

مذاهب خرافی و سوگواری محور، به ویژه رواج بیش تری در میان تشیع دارد. ماه محرم ماه سیاه و تهدید و اندوه و رعب و وحشت برای کودکان است. این که به لحاظ تاریخی ایرانیان عزای محرم و عاشورا تاسوعا را انتخاب کرده اند یا خیر، سخنی است که بررسی ها و تحقیقات گسترده در عرصه علوم اجتماعی و تاریخی را می طلبد. اما آنچه روشن است، بقای نهاد روحانیت شیعه، ریشه در حرکت موازی آن از ایام قدیمی تر تا عصر حاضر با سیستم سرمایه داران و حاکمیت ها و به گرو گرفتن احساسات بی سابقه مردم دارد. پدیده ای که سده هاست آن را در میان لایه های مختلف جامعه ایرانی ترویج و تبلیغ می شود و آشکارا آموزش جنگ طلبی و خشونت طلبی است! چرا که علی و فرزندان حسن و حسین در جنگ و خشونت و لشکرکشی بر سر خلافت کشته شدند بنابراین، آن ها نه قهرمان آزادی، بلکه قهرمان جنگ و خشونت و تروریسم و بی گام قهرمان خامنه ای و روحانی و کل حکومت مافیائی و تروریستی اسلامی ایران است! در واقع مردمانی که امروز در ماه محرم، بر سر و سینه و پشت خود می زنند خامنه ای و روحانی این سر دسته های قاتلان و غارتگران و ارگان های سرکوب آن ها همچون سپاه، بسیج، نیروهای انتظامی، وزارت اطلاعات و به طور کلی ماشین جنگی و آدم کشی حکومت اسلامی را تقویت می کنند. در عین حال این مسأله ربطی به عرب ها ندارد. زیرا در میان مردمان عرب نیز مانند جامعه ما ایران، گرایش های مختلفی وجود دارد به علاوه میلیون ها شهروند ایرانی عرب زبان هستند و ضروری ست که حرمت انسانی آن ها نگه داشته شود. به این دلیل به این مسأله تأکید می کنم که برخی شون نیست ها ایرانی به مرد عرب، به غایت برخوردهای زشت و غیر انسانی دارند.

داستان کربلا بیش تر به فیلم های تخیلی هالیوودی و البته از نوع مازوخسیم شباهت دارد از این رو، این واقعه هیچ شباهتی به تاریخ و حتی افسانه ها ندارد. برای مثال، گفته شده است علی اصغر در کربلا ۶ ماهه بود و با تیر سه شعبه بر روی دستان امام حسین به شهادت رسید. امام حسین خون او را به آسمان پاشید و حتی قطره ای از آن به زمین باز نگشت. و از آسمان ندا آمد که «دعه یا حسین فان له مرضعه فی الجنة» یعنی او را رها کن که برای او دایه ای است که هم اکنون به او شیر می دهد و این تنها جایی است که خداوند با امام (علیه السلام) سخن گفته و دل داری داده است که نشان از سنگینی

فاجعه دارد؟! حالا فرض کنیم خدائی وجود داشته و یا دارد. اما سؤال این است که این چه خدائیست که شاهد این همه خونریزی و فجایع انسانی بود اما از آن جلوگیری نکرد؟! این چه خدائیست؟!

«عاشورا» دهم ماه محرم، پس از کشته شدن حسین امام سوم شیعیان و یاران او در جنگ کربلا نامیده می شود. کاروان حسین که از شبه جزیره عربستان حرکت کرده بود روز دوم محرم به سرزمین کربلا در عراق رسیدند. حوادث مهم جنگ کربلا در روز نهم و دهم ماه محرم اتفاق افتاد و به نام تاسوعا و عاشورا، یعنی روز نهم و دهم محرم نامیدند. روز نهم و دهم محرم در فرهنگ مسلمانان به ویژه شیعیان، از جایگاه ویژه ای برخوردار است. پس از آن که امام حسین در کربلا کشته شد، روز عاشورا در میان مردم به روز حزن و اندوه مشهور و روز عاشورای حسنی شهرت یافت. تاریخ تاسوعای حسینی امسال در روز چهارشنبه ۲۸ شهریور ماه ۱۳۹۷ خورشیدی برابر ۹ محرم ۱۴۴۰ قمری و مصادف با ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۸ است.

در ماه محرم هم دم و دستگاه عریض و طویل مذهبی از روستاها تا شهرها و هم نهادهای حکومتی همچون شهرداریها و همچنین سرمایه داران و بازاریان همگی به استقبال ماه محرم به ویژه روزهای عاشورا و تاسوعا می شتابند تا به منافع اقتصادی و ایدئولوژیکی خود برسند!

سالانه میلیاردها تومان برای هزینه ماخه محرم به ویژه عاشورا و تاسوعا اختصاص داده می شود در حالی که این مبالغ هنگفت و آن هم در شرایطی کنونی که دالر به ۱۵ هزار تومان رسید و در مقابل قدرت خرید مردم محروم و مزدبگیران حدود ۷۰ درصد پائین آمده باید به دستمزدها اضافه شود و در اختیار بیکاران و محرومان جامعه قرار گیرد.

مغازه داران بعضی از کالاهای چینی حتی تا ۱۰۰ درصد هم گران شده است. در این میان طبل، زنجیر و لوازم تعزیه پرفروش تر از دیگر وسایل عزاداری است که با افزایش قیمت همراه هستند. بر اساس مشاهدات از بازار لوازم عزاداری در ماه محرم، به طور میانگین قیمت فروش طبل از ۴۰۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۵۰ هزار تومان است. همچنین زنجیر که از پرمصرفترین کالاها در این مدت است، ۱۳ هزار و ۵۰۰ تا ۱۵ هزار تومان فروخته می شود.



پس از گذشت چهارده قرن و اندی از حادثه عاشورا، شرکت کنندگان در عزاداری امام حسین در واقع، ظاهرا خویشتن را مصیبت زده و داغدار آن حادثه بزرگ مئیابند و با زدن به سر و کله و سینه خود، احساسات خود را به نمایش عموم می گذارند. در حالی که حسین هم مانند صدام و خمینی، جنگ طلب و تجاوزگر و اشغالگر بود. حتی حسن و حسین مانند پدرشان علی و خلیفه مسلمانان عمر، در لشکرشی بهایران و کشتار مردم این دیار و سرکوب جنبش های غیر مذهبی در این کشور و غارت اموال و ثروت های مردم، نقش وحشیانه ای داشتند. بنابراین، مردم ناآگاه به دنبال اهداف شوم و آگاهانه سران و مقامت حکومت اسلامی و یاهوگوئی های تاریخی حاکمان و ثروتمندان افتاده اند بدون که از واقعیت های واقعه خبری داشته باشند.

از آغاز تاسیس حکومت اسلامی، همواره محرم و سوگواری به عنوان بخشی مهمی از مظاهر فرهنگی، نمادهای ایدئولوژیک و هویت سیاسی حکومت، در سطحی گسترده تبلیغ شده است. تا جایی که «روح الله خمینی» بینانگذار حکومت جهل و جنایت اسلامی، می‌گفت: «این محرم و صفر است که اسلام را نگه داشته است»!

حکومت اسلامی با اختصاص بودجه‌های کلان، کارناوال‌های حکومتی را در قالب نمایش سوگواری محرم نه تنها در داخل ایران، بلکه در سطح بین‌المللی نیز با همفکران خود، به‌خیابان‌ها می‌آورند و دیگ‌های بزرگ قیمة نذری میان جمعیت عزاداران پخش می‌کند در حالی که همین حکومت، دست‌مزد بخور و نمیر کارگران را به‌موقع پرداخت نکرده و اعتراضات آنان را به‌وحشیانه‌ترین شکلی سرکوب می‌کند.

در طول تاریخ جامعه ایران، فعالین سیاسی و روشنفکران و هنرمندان ایرانی اقدامات جسورانه‌ای را علیه اسلام سیاسی و حاکمان انجام داده‌اند. برای مثال، میرزا رضا کرمانی را به‌فرمان کامران میرزا نایب‌السلطنه، به قزوین بردند و زندانی کردند. هنگامی که وی از پنجره زندان بیرون را تماشا می‌کرد دید که مردم به‌مناسبت عاشورا به‌سر و روی خود می‌کوبند و حسین حسین و عاشورا عاشورا می‌کنند. میرزا از همان پنجره زندان فریاد زد بابا والله عاشورا همین جاست که این همه ظلم این حکومت به‌ما مردم مظلوم می‌کند. اما کسی به‌فریاد او توجهی نکرد.

وی سرانجام از زندان آزاد شد و خودش را با بدبختی، به استانبول و به سیدجمال‌الدین اسدآبادی رساند که از پیروان او بود. سیدجمال‌الدین خود نیز با وجود خانه مجال و درآمد مناسبی که از سوی سلطان عثمانی برایش مقرر شده بود، اما خود نیز نوعی تبعیدی محسوب می‌شد. سیدجمال که شاهد گریه‌های جان‌سوز میرزا رضا کرمانی بود که از دست کامران میرزا پسر ناصرالدین شاه و جور و ستم وی نسبت به‌خود و خانواده‌اش و بسیاری دیگر ناله و زاری می‌کرد، خطاب به‌او گفت: «مرد که گریه نمی‌کند، مرد باید جرات داشته باشد و حق خود را بگیرد، کامران میرزا هم عددی نیست. باید ریشه شجر را از بیخ و بن کند»!

همین حرف سبب شد که میرزا رضا خود را با مشقت و بدبختی بسیار خود را به‌تهران برساند و در صحن عبدالعظیم نشست و در حقیقت در آنجا بی‌سروصدا بست نشست تا فرصت لازم به‌دست آید.

این فرصت مناسب زمانی بود که ناصرالدین شاه به‌مناسبت آغاز دو قرن سلطنت خود (پنجاه سال سلطنت، در قدیم هر بیست و پنج سال را یک قرن می‌خواندند و به‌همین سبب نیز ناصرالدین شاه، سلطان صاحب قران لقب داشت) که به‌زیارت شاه عبدالعظیم رفته بود که میرزا رضا با شلیک یک گلوله به‌عمر این پادشاه صاحب قران خاتمه داد. یا احمد کسروی جان خود را در این راه از دست داد و صادق هدایت با تجمعه همه جانبه آخوندها مواجه شد و...

سناریوی کربلا

حقیقتاً درباره واقعه کربلا و جنگ حسین و یزید، آن‌قدر روایت‌های مختلف و رنگارنگی وجود دارد که باور آن‌ها برای هر انسان عاقل و منطقی و متفکر بسیار سخت است.

معاویه پسر ابوسفیان بود نام ابوسفیان صخر بود پسر حرب که نسبش به قصی بن کلاب می‌رسید. او یکی از کاتبان وحی و از یاران نزدیک محمد پیامبر اسلام بود. معاویه مدت نوزده سال و سه ماه خلیفه مسلمین بود و برخلاف ادعای روحانیون شیعه، او توسط حکمیت و با رضایت علی به‌خلافت رسید. وی اولین کسی بود که خلافت را در خانواده‌اش موروثی نمود. «تاریخ طبری، جلد ۴، صفحه ۱۳۰۳»

از طبری، نقل شده که امام حسن هیچ علاقه‌ای به‌درگیری و جنگ با معاویه بر سر خلافت نداشت، بلکه می‌خواست هر چه می‌تواند از معاویه بگیرد و به‌عیش و نوش و زنبارگی‌اش بپردازد. (تاریخ طبری جلد ۷، صفحه ۲۷۱۳)

در سال چهارم پس از هجرت، علی کشته شد و بخشی از مردم عراق با امام حسن بیعت کردند. اولین کسی که با امام حسن بیعت کرد قیس بن سعد بود. قیس بن سعد سردار سپاهی بود که امام علی با چهل هزار شخص برای نگهداری از اعراب در آذربایجان آماده کرده بود. سپس امام حسن با لشکریان خود به سوی مدائن حرکت کرد و قیس بن سعد را به همراه دوازده هزار نفر به سمت جایی فرستاد که معاویه با سپاه شام در آنجا اردو زده بود. امام حسن در مدائن اردو زده بود. در میان سپاه شایعه شد که قیس بن سعد کشته شده و لشکر امام حسن شروع به فرار کردند. «چون حسن پراکنده‌گی کار خود بدید پیک نزد معاویه فرستاد و طلب صلح کرد. (تاریخ طبری، جلد ۷، صفحه ۲۷۱۴)

شرایط صلح چنین بود که آنچه در بیت‌المال کوفه هست به امام حسن تعلق گیرد و همچنین خراج شهر دارابگرد(از شهرهای ایران) متعلق به امام حسن شود.» (تاریخ طبری، جلد ۷، صفحه ۲۷۱۵)

هر سال مبلغ دو میلیون درهم نیز به امام حسین پرداخت شود. (اخبار الطوال، صفحه ۲۶۵)

در ادامه در سفرهای معاویه به مکه و مدینه امام حسن و امام حسین از اولین کسانی بودند که به پیشواز معاویه می‌شتافتند و معاویه را در اغوش می‌گرفتند. (اخبار الطوال، صفحه ۲۴۳) و (روضه الصفا، جلد ۳، صفحه ۸۳-۸۰) رابطه امام حسین با معاویه بسیار خوب بود به طوری بود که در سال ۴۹ هجرت به فرمان معاویه در جنگ قسطنطنیه شرکت کرد. (زندگانی امام حسین، صفحه ۱۲۲)

مقرری امام حسن و امام حسین در زمان «عمر» سالیانه ۵ هزار درهم بود که در زمان خلیفه‌گری معاویه به سالی یک میلیون درهم (معادل ۴ هزار کیلو نقره) رسید. (تاریخ تمدن اسلام، جلد ۴، صفحه ۸۸)

پس از معاویه پسرش یزید جانشین او شد. سرانجام همه مسلمانان با یزید بیعت کردند به جز چهار نفر: ۱- حسین بن علی ۲- عبدالله بن عمر ۳- عبدالله بن زبیر ۴- عبدالرحمان بن ابوبکر. (تاریخ طبری، جلد ۷، صفحه ۲۸۸۸) و (اخبار الطوال، صفحه ۲۷۴)

پس از فوت معاویه، ولید حاکم مدینه کسی را نزد امام حسین فرستاد تا که با یزید بیعت کند. حسین به دارالعماره نزد ولید بن عتب رفت و گفت کسی چون من پنهانی بیعت نمی‌کند فردا چون مردم را جمع کردی من نیز خواهم آمد و با یزید بیعت می‌کنم. چون شب فرارسید و هوا تاریک شد امام حسین به همراه دو خواهرش زینب و ام کلثوم و برادرانش ابوبکر و جعفر و عباس و خانواده‌اش پنهانی به مکه گریخت. (تاریخ طبری، جلد ۷، صفحه ۲۹۰۹) و (اخبار الطوال، صفحه ۲۷۶)

پس از آنکه امام حسین از مدینه به مکه گریخت مردم کوفه و فرستادگانشان نزد امام حسین آمدند که ما مردم کوفه خویشان را برای تو نگه داشته‌ایم و با ولایتداران به نماز جمعه حاضر نمی‌شویم، نزد ما آی. امام حسین مسلم بن عقیل را پیش خواند و گفت به کوفه برو و در مورد آنچه به من نوشته‌اند بنگر تا اگر درست بود به سوی آن‌ها رویم. (تاریخ طبری، جلد ۷، صفحه ۲۹۱۶)

امام حسین از مکه به سمت کوفه حرکت کرد تا به حوالی تنعیم رسید کاروانی را آنجا دید که از جانب حاکم یمن برای یزید فرستاده شده بود. بار کاروان روناس و حله بود که پیش یزید می‌بردند، امام حسین کاروان را بگرفت و همراه برد. (تاریخ طبری، جلد ۷، صفحه ۲۹۶۸) و (اخبار الطوال، صفحه ۲۹۲)

عبید الله بن زیاد در ابتدا درخواست امام حسین را پذیرفت اما از آنجا که امام حسین به ولید (حاکم مدینه) نیز قول داده بود که با یزید بیعت کند اما شبانه از مدینه به مکه گریخت و همین‌طور گفته شمر بن ذی‌الجوشن که به عبیدالله بن زیاد گفت: اکنون که در سرزمین توست این را از او می‌پذیری؟ به خدا اگر از دیار تو بروی و دست در دست تو نهاده باشد قوت و عزت از آن او باشد و ضعف و ناتوانی از آن تو. باید امام حسین و یارانش به حکم تو تسلیم شوند که اگر عقوبت

می‌کنی اختیار عقوبت با تو باشد و اگر می‌بخشی به اختیار تو باشد که به خدا شنیده‌ام عمر سعد (فرمانده سپاهیان یزید که امام حسین را محاصره کرده بودند) و حسین بیش‌تر شب را در میان دو اردوگاه نشسته‌اند و با هم سخن می‌کنند. عبیدالله بن زیاد گفت: چه خوب گفתי رای تو درست است. (تاریخ طبری، جلد ۷، صفحه ۳۰۰۹)

امام حسین به عمر سعد گفته بود دو اردو را رها خواهیم کرد و با هم به نزد یزید خواهیم رفت. عمر سعد گفت: در این صورت خانه‌ام را ویران می‌کنند. امام حسین گفت: من آن را برایت می‌سازم. عمر سعد گفت: املاکم را می‌گیرند. امام حسین گفت: از املاک خودم در حجاز بهتر از آن به تو می‌دهم. (تاریخ طبری، جلد ۷، صفحه ۳۰۰۸)

وقتی تشنگی بر حسین و یارانش سخت شد، امام حسین، عباس بن ابی‌طالب را پیش خواند و با سی سوار و بیست پیاده فرستاد و بیست مشک همراهشان کردند که شبانگاه برقتند و نزدیک آب رسیدند. پانصد تن از سپاهیان یزید مراقب آب‌گاه بودند. چون به نزدیک آب‌گاه رسیدند عباس گفت: آمده‌ایم از این آب که از آن ما را بداشته‌اند بنوشیم گفتند بنوش نوش جانست. عباس گفت تا حسین و این گروه از یارانش که می‌بینی تشنه‌اند یک قطره نخواهم نوشید. آن‌گاه عباس به پیادگان گفت مشک‌ها را پر کنند پس از آن کسان نمودار شدند و درگیری اندکی شد. یاران حسین با مشک‌ها بیامدند و آب را پیش وی بردند. (تاریخ طبری، جلد ۷، صفحه ۳۰۰۷)

پس از واقعه کربلا، بازماندگان امام حسین را به‌شام نزد یزید فرستادند که علی بن حسین نیز در بین آنان بود. آن‌گاه یزید رو به علی بن حسین کرد و گفت: ای علی به خدا پدرت حق خویشاوندی مرا رعایت نکرد و با من بر سر قدرتم به‌مزاج پرداخت و خدا با او چنان کرد که دیدی و این آیه قرآن را خواند: آنچه از رنج و مصائب به‌شما می‌رسد همه از دست اعمال زشت خود شماست در صورتی‌که خدا بسیاری از اعمال بد را عفو می‌کند. (سوره شوری، آیه ۳۰)

پس از آن بازماندگان امام حسین به خانه یزید رفتند و از زنان خاندان معاویه کس نماند که گریه‌کنان به پیشواز نیامده باشد. سه روز عزای حسین گرفتند و یزید همواره این جمله می‌گفت: خدا عبیدالله بن زیاد را لعنت کند به خدا اگر کار حسین به‌دست من بود هر چه می‌خواست می‌پذیرفتم حتی با تلف شدن جان یکی از فرزندانم مرگ را از حسین دور می‌کردم ولی خدا چنان مقدر کرده بود. سپس یزید کس نزد زنان فرستاد که از تو چه گرفته‌اند هر که هر چه گفت دو برابر آن را به آن‌ها داد به‌طوری‌که سکنیه (دختر امام حسین) گفت: هیچ‌کس را که منکر خدا باشد از یزید بن معاویه بهتر ندیدم. آن‌ها را به همراه محافظی پارسا به مدینه فرستاد. (تاریخ طبری، جلد ۷، صفحه ۳۰۷۷)

در واقع جنگی که در روز عاشورا رخ داده در نزدیکی رود فرات بود. در هیچ کجای کره زمین نمی‌توانید سرزمینی در کنار یک رود را بیابید که صحرا و بیابان بی‌آب و علف باشد، مگر رودی که از میان کوهستان می‌گذرد. در کنار رودخانه‌ها، جلگه و زمین‌های حاصل‌خیز به‌وجود می‌آید. واقعیت این است که اطراف فرات را نیز مانند سایر رودخانه‌ها، جلگه‌ها و زمین‌های حاصل‌خیز تشکیل می‌دهد و کربلا نیز سرزمینی سرسبز است. بنابراین، دسترسی به آب در آن منطقه آسان‌تر از آن چیزی است که به‌ذهن می‌رسد. تنها با کندن ۴ یا ۵ متر از زمین می‌توان به‌آب رسید. پس چه‌طور ۷۲ نفر نتوانستند یک گودال ۴ متری حفر کنند؟ با مراجعه به اسناد و دیدن تاریخ دهم محرم سال ۶۱ هجری قمری در قسمت Islamic Calendar در مئیابیم که عاشورا در روز چهارشنبه ۲۱ مهر ماه بوده است. البته ۲۱ مهر نیز هوای کربلا آن‌چنان خنک نیست، ولی آن تابستان جهنمی هم که شیعیان می‌گویند نیست. اکنون می‌گویند شرایط آب و هوایی ۱۴۰۰ سال پیش با امروز فرق دارد. مطمئناً در این دوره هوا خنک‌تر نشده، بلکه دما بالاتر هم رفته است؛ یعنی ۱۴۰۰ سال پیش نسبت به امروز خنک‌تر بوده است. اما یک نکته جالب دیگر در روایت‌هایی که از واقعه عاشورا گفته شده هیچ اشاره‌ای به‌گرسنگی نشده است! یعنی کاروان حسین مشکل گرسنگی نداشته است.

نکته‌ای دیگر هم این است که، سه نقل قول در مورد مقبره حسین وجود دارد: هارون الرشید را در حالی پشت سر گذاشتم که قبر حسین (علیه السلام) را خراب کرده و دستور داده بود که درخت سدري را که آنجا بود به‌عنوان نشانه قبر برای زوار، و سایه‌بانی برای آنان قطع کنند. (تاریخ‌الشیعه، محمد حسین المظفری، ص ۸۹، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸۳۹) قبر شریف آن حضرت مورد تعرض و دشمنی متوکل عباسی قرار گرفت. او توسط گروهی از لشکریانش قبر را احاطه کرد تا زائران به‌آن دست رسی نداشته باشند و به‌تخریب قبر و کشت و کار در زمین آنجا دستور داد... (اعیان‌الشیعه، ج ۱، ص ۶۲۸، تراث کربلا، ص ۳۴، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۹۷) سال ۲۳۶ متوکل دستور داد که قبر حسین بن علی و خانه‌های اطراف آن و ساختمان‌های مجاور را ویران کردند و امر کرد که جای قبر را شخم زدند و بذر افشانند و آب بستند و از آمدن مردم به‌آن جا جلوگیری کردند. (همان منبع) از این نوع نقل قول‌ها بسیار است اما اشاره به این سه مورد کافیست که نشان دهد روایت‌ها و داستان‌های مختلفی در مورد واقعه عاشورا و پس از آن وجود دارد. پس با این همه موارد، چگونه حسین و کاروانش از تشنگی و گرمای هوا رنج دیده‌اند؟

داستان علی اصغر هم از آن داستان‌های عجیب و غریب عاشورا، نویسندگان و سناریوسازان آن است. داستان چنین است: حسین به‌علت عطش فراوان، فرزند شیرخوارش را در بغل گرفته و جلوی سپاه می‌رود و می‌گوید دست‌کم به‌این طفل آب بدهید. از آن طرف (سپاه یزید) شخصی به‌نام حرمله که گویا تیرانداز قابلی بوده تیری را به‌قصد گلوی نوزاد رها کرده و او را می‌کشد، یا «شهید» می‌کند و... در ظاهر تراژدی واقعا دردناکی است، ولی با کمی تامل مطالبی دال بر خرافی و غیرواقعی بودن این داستان می‌رسیم.

نخست آن که نوزاد شیرخوار و چندین ماهه اصلا گردنی به آن صورت که ما تصور می‌کنیم ندارد. سر نوزاد به‌بدنش چسبیده است، دلیلش هم آن است که هنوز استخوان و عضلات گردن چنان رشد نکرده‌اند که وزن سر را تحمل کنند. تنها در یک صورت می‌توان گردن نوزاد را تا حدودی دید، در صورتی که سر کودک به‌پشت برگشته و به‌سمت زمین آویزان شود. دوم آن که فاصله دو سپاه در هنگام نبرد معمولا ۲۰۰ یا ۳۰۰ متر بوده است. تیرانداز از آن فاصله، چرا گردن کودک هدف گرفت و چرا پدر کودک را نشانه نگرفت؟! آن‌هم در حالی که می‌دانیم در تمام جنگ‌ها، مهم‌ترین شخص فرمانده سپاه است. پس حرمله چرا حسین را نزد؟ کدام منطق و عقل سالمی چنین سناریویی را می‌پذیرد؟ تازه نوزاد چندین ماهه شیر می‌نوشد و نه آب! بنابراین، مادرش می‌توانسته به نوزاد شیر بدهد و تشنگی او را بر طرف سازد.

سناریوی آب آوردن ابوالفضل: داستان از این قرار است که ابوالفضل برای رفع تشنگی لشکر حسین به‌دل دشمن زده و مشکی را از آب رودخانه پر کرده و در مسیر برگشت شخصی آن دستش را که مشک را گرفته بوده با شمشیر قطع می‌کند. حضرت مشک را با دست دیگرش می‌گیرد و به‌راهش ادامه می‌دهد. دوباره یکی از دشمنان آن دست دیگر او را هم قطع می‌کند. حضرت اکنون مشک را با دندان می‌گیرد و در آخر او را به «شهادت» می‌رسانند. واقعا حضرت چگونه مشک را از دستی که قطع شده می‌گیرد؟ آیا حضرت از اسب پیاده شده و می‌رود مشک را که همراه دست قطع شده‌اش روی زمین افتاده بر دارد و دوباره سوار اسب شود و برود؟ که دوباره آن یکی دستش قطع می‌شود؟ در حالی که دو دست او قطع شده بود چگونه از روی اسب دولا شده و مشک را با دندان می‌گیرد؟ یا اصلا چنین سناریویی ممکن است؟

حالا برخی نوحه‌خوانان در مراسم مذهبی، می‌گویند که با کمان به‌سوی دست حضرت نشانه رفته‌اند و دست او را قطع کرده‌اند! مگر کمان‌های آن‌ها شمشیر پرتاب می‌کرده است؟

داستان غسل کردن قاسم نیز داستان دیگریست که از این دست داستان‌ها در اسلام بی‌شمار است.

یک سؤال مهم دیگر هم این است که مسافرت‌های قدیمی با کاروان‌هایی شامل اسب و شتر طاقت‌فرسا و طولانی‌مدت بوده است. برای رفع خستگی کاروان‌ها در مسیر حرکت آن‌ها کاروانسراها یا منزل‌گاه‌های ساخته شده بودند که هم در آن‌جا در بین راه استراحت کرده و شب را به‌صبح برسانند و هم مایحتاج مسیر خود را تهیه کنند. معمولاً فاصله بین این مکان‌ها بین ۳۰ تا ۴۰ کیلومتر بوده که مطابق با میزان مسافت طی شده در یک روز توسط یک کاروان بوده است. بر اساس منابع تاریخی که واقعه کربلا از آن‌ها استنتاج شده، حسین در روز هشتم ذی‌الحجه با ناتمام گذاشتن مناسک حج، به‌سمت کوفه حرکت کرده و روز دوم محرم به‌کربلا رسیده است. این مسافرت طولانی بیش از هزار کیلومتر بوده است. بر طبق مسیر جاده‌ای که در حال حاضر بین این دو شهر قرار دارد این فاصله برابر با ۱۸۵۴ کیلومتر است. بر اساس همین منابع تاریخی، کاروان مذکور کل این فاصله را در ۲۳ روز پشت سر هم طی نکرده و در بعضی از منزل‌گاه‌ها توقف و استراحت هم داشته است. بر این اساس حداقل در یک منزل‌گاه به نام «خُزَیمیه» یک روز برای استراحت توقف کردند و در بعضی از منزل‌گاه‌ها هم توقف‌هایی کوتاه‌تر داشتند که می‌توان مجموع توقف در بعضی از منزل‌گاه‌ها را هم معادل یک روز حساب کرد.

بنابراین کاروان حسن، ۲۱ روز در راه بوده و حداقل ۱۴۴۷ کیلومتر راه را پیموده است: یعنی ۶۹ کیلومتر مسافت در هر روز بایستی پیموده شده باشد. این مسافت حدود دو برابر مسافت معمول پیموده شده توسط کاروان هاست! با توجه به این‌که کاروان شامل زن و بچه و وسایل فراوان بوده نمی‌توانسته با سرعت زیادی حرکت کند. فاصله‌ای که یک کاروان در یک ساعت طی می‌کند معمولاً برابر با یک فرسخ یعنی حدود ۵/۳۷۵ کیلومتر است. پس حدود ۱۳ ساعت در روز حرکت می‌کردند! آیا پیمودن این مسافت در روز در هوای گرم شهریور و مهرماه عربستان و عراق برای اسب‌ها و شترهای کاروان ممکن بوده است؟

حالا از همه این‌ها گذشته، پیامبران و امامان معجزه می‌کردند عصا را مار می‌کردند؛ دریاها را می‌شکافتند، از آسمان و اعماق زمین و اعماق اقیانوس‌ها با خبر بودند، خبر داشتند، به‌آسمان هفتم رفت و آمد می‌کردند، از بهشت و جهنم خبر می‌دادند پس چرا هیچ‌کدام از این معجزه‌ها و دانش‌های و ادعاهای بی‌کران‌شان به‌داد خودشان نرسیده است؟ چرا حسین و یارانش در کربلا تشنگی کشیدند؟!

دست‌کم در سه منبع تاریخی معتبر حضور امامان حسن و حسین در حمله به‌ایران و سرکوب قیام‌های مردمی ایران ذکر شده است که مورد اول را که در کتاب تاریخ طبری نوشته محمد بن جریر طبری جلد پنجم صفحه ۲۱۱۶ آمده است در انساب دیگر همچون فتوح البلدان نوشته احمد بن یحیی بلذری، صفحه ۳۰۳:

«عثمان در سال ۲۹ هجری سعید بن عاص را والی کوفه کرد و عبدالله بن عامر کریز را والی بصره. مرزبان طوس به‌این دو نفر نوشت و آن‌ها را به‌خراسان دعوت کرد که هر کدام فاتح شدند مالک آن‌جا شناخته شوند. هر دو نفر حرکت کردن عبدالله از او پیشی گرفت و سعید به‌سوی طبرستان رفت که آن‌جا را فتح کند و در سپاه او حسن و حسین هر دو بودند...»

مختصرالبلدان نوشته ابن فقیه صفحه ۱۵۲:

«مردم گیلان و تبرستان و دیلمستان سال‌ها در برابر هجوم سپاهیان اسلام پایداری و مقاومت کردند و در حقیقت، اعراب مسلمان هیچ‌گاه نتوانستند گیلان و تبرستان و دیلمستان را تصرف نمایند. در زمان عثمان اعراب برای فتح تبرستان تلاش بسیار کردند و سعید بن عاص به‌دستور عثمان به‌سوی تبرستان روانه شد. در این هجوم اما حسن و امام حسین (فرزندان علی اما اول شیعیان) نیز با سعید بن عاص همراه بودند.»

زین العابدین رهنما در کتاب زندگی امام حسین جلد دوم، فصل سوم، نوشته است:

«در سال سیام هجری یعنی هفت سال پس از خلافتش(عثمان) آن فرمانده ماجراجوی عرب(سعید بن عاص) را با نیروی تازه نفس از کوفه بهسوی تبرستان فرستاد. دو فرزند علی امام حسن و امام حسین هم بهسمت مجاهدان اسلامی که این جهاد برای خاندان مسلمان وظیفه و شعاری بهشمار می‌آمد زیر دست این فرمانده اموی حرکت کردند... این نیروی تازه‌نفس بحدود تبرستان رسید و نخستین دژ مستحکم و قلعه ناگشودنی آن برخورد کرد و سعید بن عاص دانست که تصرف این دژ ناممکن است.

سعید هیأتی را بهقلعه فرستاد و تقاضای صلح و تادیبه جزیه نمود. پس از گفتگوی بسیار اسپهبد قلعه برای جلوگیری از خونریزی پیشنهاد صلح او را پذیرفت بهشرط این‌که نیروی تازیان بهمردم قلعه و دفاعکنندگان این دژ آسیبی نرسانند. این شرط پذیرفته شد و اسپهبد نامبرده دستور گشودن دروازه‌های کوه پیکر قلعه را داد.

هنگام باز شدن دروازه بزرگ قلعه که چندین گز طول و عرضش بود و با کبکبه و وقاری آهسته‌آهسته روی پایه‌های قطور آهنی می‌چرخید و باز می‌شد عرب‌ها بهتماشای آن ایستاده و حیرت‌زده بودند. سعید بن عاص فرمانده عرب با تمام نیروی خود درون قلعه آمد و مطابق نقشه‌ای که قبلاً طرح‌ریزی کرده بودند دستور داد بی‌درنگ نقاط بلند و سخت قلعه را اشغال کنند و نیروی ایران را خلع سلاح نمایند. فردای آن روز یکایک مدافعان قلعه را گرفت، بعضی را در زنجیر نگاه داشت و بیش‌تر آن‌ها را کشت. کشتاری بی‌رحمانه در قلعه انجام داد...

حالا حکومت اسلامی ایران و حکومت اسلامی عربستان با همدیگر سر جنگ دارند اگر عربستان به ایران حمله کند چه تفاوتی دارد با حمله علی و عمر و حسن و حسین به ایران! جنگ جنگ است و آدم‌کشی. هنر آن است که هم طرفین جنگ و جنگ‌طلبی و اشغال‌گری را محکوم کرد و آن‌ها را کنار زد و به امنیت و آرامش رسید. از جمله جنگ‌طلبی و لشکرکشی اعراب آن دوره به ایران و همچنین سینه‌زنی و قمه‌زنی برای حسن و حسن جنگ‌طلب و اشغال‌گر را محکوم کرد و نگذاشت خاک بهچشم جامعه پاشیده شود.

بنابراین واقعه کربلا و مرگ امام حسین و یاران او، جدا از نی که چقدر حقیقت داشته و چگونه بوده است اما به امروز زمان این داستان متحول شده و بهشکل فیلم‌های تخیلی و جنائی هالیوودی درآمده است. بهشکلی درآمده است که بیش‌تر خودآزاری و خشونت و جنگ طلبی را رواج می‌دهد. و در عین حال ماه محرم و مراسم‌های امروزی آن در ایران، بیش از هر زمانی از تاریخ، بازار بزرگی برای سرمایه‌داران و حکومت اسلامی است.

صراحتاً می‌توان گفت که فرهنگ عاشورا، یعنی توحش و بربریت! آیا بر سر سینه و سر زدن و خون ریختن در خیابان‌ها، برای فردی که ۱۴۰۰ سال پیش مرده است چیزی جز بربریت است؟ فرهنگ عاشورا یعنی تبلیغ جنگ‌طلبی، خونریزی، دشمن‌تراشی، و از خود و بی‌خود کردن انسان‌ها. چنین نمایشی زشت و مضر و خطرناک، به‌ویژه برای کودکان است.

گفته می‌شود حسین «مظلومانه» کشته شده، آیا می‌دانید زمانی که از جمله از خون ده‌ها هزار ایرانی رود خون جاری کردند پدر همین حسین از جمله مشاوران عمر ابن‌خطاب در ویران‌گری جامعه ما بود؟ شهربانو هدیه‌ای بود از سوی عمر، به‌خاطر خوش‌خدمتی علی ابن ابی‌طالب به‌پسرش؟ چرا باید به‌کسی احترام گذاشت که علاوه بر لشکرکشی و کشتار مردم، دختری و یا دختران بسیاری را به‌زور مورد تجاوز جنسی قرار داده‌اند. کاری که شکنجه‌گران حرفه‌ای حکومت اسلامی در زندان‌ها و در زیر شکنجه تجاوز می‌کنند و به‌دختران «باکره» نخست تجاوز می‌کردند و سپس به‌دست جوخه‌های مرگ می‌سپردند و یا رفتار وحشیانه‌ای که گروه اسلامی داعش بر سر دختران و زنان ایزدی آورد. اصولاً در صدر اسلام و در دوران جنگ‌های محمد، علی، عمر، حسن، حسین و غیره نیز دختران و زنان به‌عنوان غنایم جنگی محسوب می‌شد و آن‌ها را بین نیروهای اسلام تقسیم می‌کردند.

در ایام عزاداری ماه محرم، چهره شهرهای بزرگ و کوچک و روستاهای دور و نزدیک ایران به‌گونه‌ای چشم‌گیر و حزن‌انگیزی دگرگون می‌شود. همه چیز و همه جا سیاه‌پوش می‌شود. بیرق‌ها و علم‌های سیاه و گاه سبزرنگ بر در و بام خانه‌ها و معابر و موسسات افراشته می‌شود. زن و مرد و پیر و جوان سیاه می‌پوشند و برخی چهره‌ها و موهایشان را گل‌آلود می‌کنند. مردان در مساجد و معابر و تکایا جمع می‌شوند و به‌سر و سینه خود می‌کوبند تا از این طریق با کشته‌شدگانی ابراز همدردی کنند که در چهارده قرن پیش از این در صحرای کربلا به‌وقوع پیوست.

تاریخچه عزاداری در ایران

باید دانست که سنت‌ها و آداب عزاداری به‌شکل رایج فعلی و رایج آن در سده‌های اولیه تاریخ اسلام و به‌خصوص عصر زندگانی امامان شیعه وجود نداشته و نمود خارجی نداشتند.

این کارها و اعمال شنیع، حتی در زمان قوت و انتشار تشیع مانند زمان آل‌بویه در ایران و یا زمان مامون و اوائل زمان عباسیان که از طرفی شاهان شیعه بر مردم حکومت داشتند و از طرفی روحانیون بزرگی چون شیخ مفید و سیدمرتضی در آن زمان‌ها بوده‌اند نیز نمی‌بینیم. هیچ خیری در این مورد و اثبات آن نقل نشده است در صورتی که در همان وقت‌ها در عزاداری، حتی در بغداد نیز که مرکز سنیان بوده بازارها را تعطیل و عزاداری می‌کردند. اما هرگز کسی نبود که قمه بزند یا سینه‌زنی کند یا اعمال شنیع دیگری انجام دهد.

در طول تاریخ این آخوندها بودند که با اتکا به‌مردمان خرافی یا منبری و عزاداری‌هایشان، شکل‌های گوناگونی درست کرده‌اند از جمله سینه‌زنی، زنجیرزنی، قفل‌زنی، تیغ‌زنی، قمه‌زنی و...

خودزنی و خودآزاری، یک نوع بیماری روانی است که یک بخش جامعه را مبتلا کرده است. اذیت کردن بدن در اثر سینه‌زنی، قمه‌زنی و زنجیرزنی، که بر پشت یا به‌سر و سینه می‌کوبند هیچ منطق علمی ندارد.

در مورد منشا اصلی قمه‌زنی، روایات‌های مختلفی وجود دارد. نویسنده عراقی الاصل کتاب «تراژدی کربلا»، بر این عقیده است که مراسم‌هایی از قبیل قمه‌زنی، قبل از قرن نوزدهم در عراق مرسوم نبوده و به‌تدریج از اواخر این قرن در آن کشور رواج یافته است. بنابراین مراسم قمه‌زنی و ... از خارج عراق به‌آن کشور وارد شده و ریشه عربی ندارد. (تراژدی کربلا، ابراهیم حیدری، ترجمه علی معموری، ص ۴۷۵)

شیخ کاظم دجیلی نیز در تأیید این نظر می‌گوید: «عرب‌های عراق تا آغاز قرن بیستم در این‌گونه مراسم‌ها شرکت نمی‌کردند؛ این اعمال در ابتدا در میان ترک‌های عراق، فرق صوفیه و کردهای غرب ایران مرسوم بود.» (عاشوراء فی

النجف و کربلا، کاظم دجیلی، ص ۲۸۷، جیات عراقی من وراء البوابه السوداء، محمود دره، ص ۲۴)

از نظر تاریخی، قمه‌زنی در ایران تا پیش از صفویه هیچ‌گونه سابقه‌ای نداشته و محور تردیدها در آن است که آیا در زمان صفویه به‌وجود آمده و یا این که بعد از صفویه در زمان قاجاریه وارد شده و رواج یافته است؟

در دوره قاجار روحانیون معروفی مثل علامه سیدمحسن امین عاملی، قمه‌زنی و نظایر آن را غیرشرعی و شیطان‌پسند خوانده و به‌مخالفت با آن پرداختند که باز هم - با توجه به‌این که قمه‌زنی به‌سرعیت جایگاه مطلوبی نزد عوام‌الناس یافته و جزئی لاینفک از مظاهر دینداری، با لعاب تعصب مردم شده بود - نه تنها مخالفت این دسته از علما موثر واقع نشد، بلکه به‌تشکیل جبهه‌ای در بین مردم و برخی علمای موافق قمه‌زنی منجر شد؛ تا جایی که برای مثال به‌علامه سیدمحسن امین عاملی تهمت زدند که می‌خواهد اخبار را نسخ کند و از اجرای اعمال دین‌جلوگیری کند!

اقدامات مهم صفویان در زمینه عزاداری، رسمی و حکومتی کردن مجالس سوگواری و دیگری، ابزارمند کردن و نیز پدید آوردن آئین‌ها و رسوم جدید عزاداری بود. (مقاله رساله شیعه، مروری بر تاریخ تکوین مجالس و آئین‌های عزاداری در ایران، محسن حسام مظاهری، مجله اخبار ادیان، شماره ۱۸ فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵)

«پیتز دل‌واله» سیاح ایتالیایی از عزاداری شیعیان در اصفهان عصر صفوی سال ۱۰۳۷ قمری، چنین گزارش می‌دهد: «تشریفات و مراسم عزاداری عاشورا به این قرار است که همه غمگین و مغموم به‌نظر می‌رسند و لباس عزاداری به‌رنگ سیاه - یعنی رنگی که در مواقع دیگر هیچ‌وقت مورد استعمال قرار نمی‌گیرد - بر تن می‌کنند. هیچ‌کس سر و ریش خود را نمی‌تراشد و به‌حمام نمی‌رود. به‌علاوه، نه تنها از ارتکاب هر گناه پرهیز می‌کنند، بلکه خود را از هرگونه تفریح و خوشی محروم می‌سازد.

جمعی در میدان‌ها و کوچه‌های مختلف و جلوی خانه‌های مردم، برهنه و عریان در حالی که فقط با پارچه سیاه یا کیسه تیره رنگی ستر عورت کرده و سر تا پای خود را با ماده‌ای سیاه و براق ... رنگ زده‌اند، حرکت می‌کنند... به‌همراه این افراد، عده‌ای برهنه نیز راه می‌روند که تمام بدن خود را به‌رنگ قرمز در آورده‌اند؛ تا نشانی از خون‌هایی که به زمین ریخته و اعمال زشتی که در آن روز (عاشورا) نسبت به حسین انجام گرفته است، باشد. همه با هم، آهنگ‌های غم‌انگیز در وصف حسین و مصائب وارد بر او می‌خوانند و دو قطعه چوب یا استخوانی را که در دست دارند، به‌هم می‌کوبند و از آن صدای حزن‌انگیزی به‌وجود می‌آورند و به‌علاوه حرکتی به‌سر و تن خود می‌دهند که علامتی از اندوه بی‌پایان آن‌ها است و بیش‌تر به‌رقص شباهت دارد...» (سفرنامه پیتز دل‌واله، ترجمه شجاع‌الدین شفا، انتشارات علمی فرهنگی)

علاوه بر ابزارآلات جدید، از این دوره بود که آداب و رسوم نوینی هم در سلك آئین‌های عزاداری درآمد؛ آدابی چون «تیغ‌زنی»، «قفل‌زنی»، «سنگ‌زنی» و «قمه‌زنی» را از این جمله شمرده‌اند. (مقاله رسانه شیعه، مروری بر تاریخ تکوین مجالس و آئین‌های عزاداری در ایران، محسن حسام مظاهری، مجله اخبار ادیان، شماره ۱۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵)

یک روال شناخته‌شده حکومت‌ها، این است که اعمال و رفتارها را از همدیگر یاد می‌گیرند؛ عثمانی‌ها گروه فدائیان داشتند؛ صفویه هم یک گروه فدائیان درست کرده بودند و مانند آل‌بویه که در قرن سوم و چهارم در بغداد، عمدتاً دسته‌های اولیه عزاداری‌شان، دسته‌های نظامی‌شان بود، به‌ارتش دستور داده بودند که به‌طور منظم و دسته‌بندی شده، دسته عزاداری راه بیاندازند. صفویه هم وقتی سر کار آمدند این برنامه را تکرار کردند. یکی از افواج فدائیان، قزلباش صفوی بودند که همیشه به‌نشانه آماده به‌خدمت، سرشان تراشیده بود.

بدین ترتیب، یکی از شاخصه‌های عزاداری در دوره قاجار، عمومیت یافتن رسم تیغ‌زنی و قمه‌زنی است؛ رسمی که البته پیش از آن هم مسبوق به‌سابقه‌ای چند ساله بود، اما مشخصاً در این دوره گسترش و رواجی بی‌سابقه یافت. (مقاله رساله شیعه، مروری بر تاریخ تکوین مجالس و آئین‌های عزاداری در ایران، محسن حسام مظاهری، مجله اخبار ادیان، شماره ۱۸، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۵)

بنجامین، سفیر کبیر امریکا در ایران عهد ناصرالدین شاه، در توصیف مراسم قمه‌زنی در سفرنامه‌اش چنین می‌نویسد: «سال ۱۸۸۴ میلادی من در تهران اقامت داشتم. دسته‌هایی در خیابان‌ها حرکت می‌کردند و احساسات تند و شدید بی‌سابقه‌ای از خود نشان می‌دادند... در این میان ناگهان جمعی سفیدپوش که کاردهائی در دست داشتند، پدیدار شدند که با هیجان زیاد کاردها را بالا برده و به سر خود می‌زدند و خون از سر آن‌ها و از کاردهائی که در دست داشتند، فواره می‌زد و سر تا پایشان را سرخ کرده بود. واقعا که منظره دلخراش و بسیار تآثرآوری بود که هرگز نمی‌توانم آن را از یاد ببرم. کسانی که در این دسته‌ها قمه می‌زدند، گاهی اوقات آنقدر به هیجان آمده و یا خونی که از آن‌ها می‌رود (آن قدر

زیاد است) که بی‌حال شده و روی زمین می‌افتند و حتی ممکن است اگر فوراً مداوا نشوند، جان خود را از دست بدهند.» (ایران و ایرانیان، بنجامین، س. ج. و، ترجمه محمدحسین کردبچه، ص ۲۸۴)

معمولاً مراسم عاشورا صبح زود روز، با پوشیدن لباس سفید و بلندی همچون کفن، به‌صورت دسته‌جمعی برگزار می‌شود. با مراجعه به کتب تاریخی و تصاویر ثبت شده از عزاداری ایرانی‌ها در زمان قاجار ما شاهد حرکت دسته‌های قمه‌زنی در شهرهای مختلف ایران بودیم.

نشان و نمادهای عزاداران حسینی

پرچم، رعیت، نشان لشکر، بیرق و آنچه به‌سر نیزه بندند، درفش و در اصطلاح «عزاداری حسینی» علامت خاصی است که هر هیأت و دسته، ویژه خود دارد و آن را از دسته‌های دیگر متمایز می‌سازد.

برخی اساس آن را مربوط به‌دوره آق قویونلوها و قره قویونلوها، عده‌ای به‌دوره صفویه و عده‌ای به‌دوره زندیه و قاجاریه نسبت می‌دهند.

قدیمی‌ترین علامت‌های ایرانی در موزه توپ‌کاپی استانبول نگهداری می‌شود. شاید این علامت‌ها که نمونه‌ای از علامت و نشان قبایل مختلف ایرانی است در عصر حکومت ترکمن‌های آق قویونلوها و قره‌قویونلوها وجود داشته‌اند و دسته‌های سیاسی و مذهبی از آن‌ها استفاده می‌کرده‌اند.

علامت‌ها از صفحه‌های آهنی با تیغه‌هایی باریک و بلند ساخته می‌شده‌اند و در راس آن علامت، نشان سنتی و قومی قبیله‌ای را نصب می‌کردند. بین شیعه مذهبیان نام الله و یا الله محمد و یا پنج تن با نقره‌کاری روی آن حک می‌شد. تیغه بلند و باریک آهنی با صفحه‌ای مدور و بزرگتر در انتهای تیغه که دارای قابی از فلز بود خاتمه می‌یافت. دور این قاب با سرهای اژدها تزئین می‌شد که از هنرهای چینی و ژاپنی اقتباس شده بود. تصویر این علامت‌ها در مینیاتورهای قرن ۱۵ میلادی هم دیده می‌شود این علامت‌ها بر روی دسته‌های چوبی یا فلزی قرار می‌گرفت و پیشاپیش دسته‌ها حمل می‌شد.

بعدها در دوران زندیان و قاجاریه تزئینات دیگری هم به‌علامت‌های دسته اضافه شد. عزاداران مذهبی در ایام سوگواری با بزرگداشت و تشریفات دیگر آن‌ها را به‌کار می‌بردند. در آن دوران علامت‌ها را پیشاپیش صف سوگواران حرکت می‌دادند علامت‌های قدیمی‌تر معمولاً پایه‌ای داشتند که کلمات مذهبی بر روی آن منقوش بود و دو اژدها با دهان باز از آن حفاظت می‌کردند که صورت آن‌ها نیز سوراخ بود.

برخی علامت‌ها دارای نگاره طاووس، پرنده، چهار گلدان و یک جفت طوطی در دو طرف علامت سات که گاه دو شمعدان به‌میله‌ای که قاب بر آن تکیه دارد متصل است. در گذشته علامت‌ها یک تیغه بودند و تزئیناتی به‌آن متصل می‌شد. این علامت‌ها کم‌کم تبدیل به‌علامت‌های سه‌تیغه، پنج تیغه، هفت تیغه، بیست و یک تیغه و... شدند.



علامت‌هایی که هر چند به‌قول مورخین تاریخچه آن به‌دوران قاجاریه و زندیه برمی‌گردد، اما ریشه اصلی آن را باید در مسیحیت جست و جو و پیدا کرد. ناگفته نماند که در دروان صفویه تا زمان شاه عباس اول عزاداری‌ها و حرکت‌های شیعی به‌طور زیرزمینی انجام می‌گرفته و شاهان و سلاطین همیشه از اجتماعات شیعی خوف داشتند و برخلاف امنیت دستگاه حکومتی خود می‌دیدند تا این‌که در زمان حکومت شاه عباس دوم ورق برگشت و شاه عباس دوم به‌شدت مدافع شیعه و عزاداری حسینی می‌شود و برای نشر و گسترش عزاداری‌ها و اجتماعات سوگواری شیعی به‌فکر چاره می‌افتد. او در دستگاه حکومتی خود، وزارتی به‌نام وزارت روضه‌خوانی و تعزیه‌داری ایجاد کرده و وزیری برای آن منصوب می‌کند. او وزیر روضه‌خوانی و تعزیه‌داری خود را به‌اروپای شرقی که در آن زمان صفویان روابط بسیار نزدیک، مرموز و ویژه‌ای با آن‌ها داشته‌اند می‌فرستد که در رابطه با مراسم دینی و تشریفات مذهبی آن‌جا تحقیق کند.

وزیر روضه‌خوانی و تعزیه‌داری در رابطه با این موضوع تحقیق کرده و بسیاری از سنت‌ها و مراسم جمعی مذهبی و تظاهرات اجتماعی مسیحیت و برگزاری و نقل مصیبت‌های مسیح و حواریون و شهدای تاریخ مسیحیت و نیز علائم و شعارهای آنان و ابزارها و وسایل خاص این مراسم و دکورهای ویژه‌مخالف دینی و کلیسا را اقتباس کرده و همه را به‌ایران می‌آورد و در این‌جا به‌کمک وابستگان به حکومت صفوی، آن فرم‌ها و رسوم را با تشیع و تاریخ تشیع و مصالح ملی و مذهبی ایران تطبیق داده و به‌آن قالب‌های مسیحی اروپائی و محتوای شیعی ایرانی می‌بخشند به‌طوری که ناگهان در ایران سمبل‌ها و مراسم، مظاهر کاملاً تازه‌ای که هرگز نه در ملیت ایران سابقه داشت و نه در دین اسلام و نه در مذهب شیعه، به‌وجود آمد.

مراسم و تشریفات مخصوص عزاداری اجتماعی و رسمی، همه فرم‌های تقلیدی از عزاداری و مصیبت‌خوانی و شبیه‌سازی مسیحیت اروپائی و غیره است و حتی گاه به‌قدری ناشیانه این تقلید را انجام داده‌اند که شکل صلیب را هم که در مراسم مذهبی مسیحی‌ها جلوی دسته‌ها می‌برند.

صفویان بدون این‌که کمترین تغییری در آن بدهند آن را به‌ایران آورده‌اند و امروزه هم بدون توجه به‌شکل رمزی و مذهبی آن در مسیحیت، جلوی دسته‌های عزاداری راه می‌برند و همه می‌بینند که شاخصه نمایان هر دسته سینه‌زنی همین صلیب جریده است. در عین حال در نظر هیچ‌کس معلوم نیست برای چیست و هیچ‌کس از آن‌هایی هم که آن را می‌سازند و حمل می‌کنند نمی‌دانند برای چه چنین می‌کنند.

معمولاً بر روی تیغه‌ها زیارت عاشورا، اشعار و یا آیاتی از قرآن نوشته می‌شود. حیواناتی هم مانند شیر، شتر، طاووس، آهو و... بر روی برخی از علامت‌ها حک می‌شود که هر کدام معنی خاص خود را دارند.

در «علم» معمولاً دو سر اژدها نیز دیده می‌شود که نسبت به‌سایر عناصر از دلالت کمتر شناخته شده‌ای برخوردار است. گفته شده است «این دو سر اژدها نماد لشکر جنیان حاضر در روز عاشورا برای یاری امام حسین است که اذن خواستند ولی امام حسین با توجه به‌آن‌که مامور به‌ظاهر بودند با جنگیدن جنیان موافقت نفرمودند.»

دسته سینه‌زن‌ها و زنجیرزن‌ها، طبال‌های میانه‌دسته و سنج‌زن‌ها، از علم‌هایی که به‌میدان می‌آوردند علمدار... یکی دست به‌پارچه‌های آویخته از آن می‌کشد، دیگری بیمار خود را از زیر علم رد می‌کند به‌نیت شفا! یکی پول نذری‌اش را به او می‌دهد؛ علمدار برایشان حکم عباس بن علی را دارد.

تاسیس دولت صفوی، باعث پیدا شدن الگوی جدیدی در مناسبات میان دین و دولت شد که به‌عنوان نقطه عطف تاریخی در اندیشه سیاسی شیعه به‌شمار می‌آید. مراسم عزاداری امام حسین در این عصر وارد مرحله جدیدی شد. شاهان صفوی نه‌تنها خود شیعه بودند و به‌غایت، علاقه‌مند به‌خاندان پیامبر، بلکه خود را به‌ترویج مکتب اهل‌بیت و اشاعه مذهب تشیع ملزم می‌دانستند. سوگواری امام حسین در این دوره، از دو جهت گسترش چشم‌گیری یافت و تقریباً به‌اوج خود رسید.

شاهان صفوی، توجه ویژه‌ای به مقوله عزاداری شیعیان مبذول داشتند. باید دوران حکومت شاه اسماعیل را دوران تکوین بعضی آداب شیعی نظیر مداحی، شمایل‌گردانی و اقامه سوگواری در ماه‌های محرم و رمضان دانست.

شاه عباس اول، در میدان نقش جهان اصفهان، مجالس سوگواری برگزار می‌کرد و خود نیز در آن شرکت می‌نمود. شاه‌صفی نیز همچون اسلاف خود، به برگزاری مراسم عزاداری عنایتی ویژه داشت. در زمان وی، آئین‌های جدید سوگواری چون سنگ‌زنی، تیغ‌زنی و قفل‌زنی تثبیت شد و رواج یافت.

شاه عباس دوم، شاه سلیمان و شاه سلطان حسین هم رفتارهای دینی بسیاری داشتند که توجه به برگزاری باشکوه آئین‌های عزاداری از آن جمله است. در این دوران مراسم ویژه عاشورا، برگزار می‌شد.

از این دوره به بعد، دسته‌های معمول عزاداری با ابزارها و آلات خاصی همانند «علم»، «کنل»، «توغ» و «بیرق» زینت داده می‌شود. علاوه بر ابزارآلات جدید، از این دوره، آداب و رسوم جدید در سلک آئین‌های عزاداری همانند «تیغ‌زنی»، «قفل‌زنی»، «سنگ‌زنی» و «قمه‌زنی» رواج یافت. برخی از صاحب‌نظران، قائل به پیدایش اولین نمونه‌های آئین «تعزیه» (شبی‌خوانی) در عصر صفویه هستند. اما هیچ تاریخ مشخصی برای زمان دقیق پیدایش تعزیه‌خوانی وجود ندارد و تنها چیزی که مشخص است آن که این مجالس در دوران صفویه نبوده و در دوران قاجار رواج داشته است. به نظر می‌رسد عموم روحانیان عصر صفوی هم با نوآوری‌هایی که آن زمان در امر عزاداری شیعیان رخ داده است، موافق بوده‌اند و یا سکوت کرده بودند.

ساختار قدرت در عهد قاجاری نیز همچون گذشته استبدادی و مطلقه بود. قاجاریان به لحاظ مبنای سیاسی، ابتدا تلاش کردند خود را از تبار صفویه قلمداد کنند و بدین سان، خود را از مشروعیت دینی مورد ادعای آنان برخوردار کنند. شاهان قاجار دلبستگی و توجه ویژه‌ای به رعایت آداب و برگزاری مناسک و شعائر دینی از خود نشان می‌دادند. در دوران فتحعلی‌شاه، بر شکوه عزاداری و تعزیه افزوده شد، اولین تکیه‌های ثابت برپا گردید و کارگردانی تعزیه با ریاست شاه و برخی شاهزادگان تکامل یافت. در دوران محمدشاه قاجار، مراسم عزاداری به ویژه اجرای تعزیه رونق گرفت و ساختن تکایا نیز گسترش یافت.

در بین شاهان قاجار، ناصرالدین‌شاه در پرداختن به شعائر مذهبی و شیعه‌گری از همه فعال‌تر بود. ویژگی شاخص دوران ناصری، رونق بی‌سابقه مجالس عزاداری و خصوصاً آئین تعزیه بود. مهمترین اقدام در این زمینه، ساخت «تکیه دولت» به دستور وی است که نقشی به‌سزا در رواج روزافزون مجالس تعزیه در ایران آن زمان ایفا کرد. از آن پس، رقابت درباریان و شاهزادگان در برگزاری مجالس و ساخت تکایای هرچه باشکوه‌تر، به تدریج این آئین را به وسیله فخرفروشی و شهرت‌طلبی بزرگان مبدل ساخت و حتی گاهی برای شاه و درباریان بیش‌تر امری سرگرمی‌ساز محسوب می‌شد. رونق آئین تعزیه، در مقابل، رکود مجالس روضه‌خوانی را به دنبال داشت.



عمومیت یافتن رسم تیغزنی و قمهزنی، از دیگر شاخصه‌های عزاداری در این دوره است که در این مقطع گسترش و رواجی بی‌سابقه یافت. در عهد ناصرالدین‌شاه، علاوه بر قمهزنی، رسوم دیگری نیز در زمره آداب عزاداری و مظاهر دین‌داری عامه وارد شد. «شمایل‌کشی»، «زنجیرزنی» و «چهل و یک منبر» را می‌توان از جمله رایج‌ترین این رسوم نام برد. شمایل‌کشی و شمایل‌گردانی، از دوران صفویه سابقه داشت و ابزار کار نقالان و مداحان بود، اما گسترش آن به منازل شخصی مردم، از شاخصه‌های دین‌داری در عهد ناصری است. رسم «زنجیرزنی» هم در همین دوران ابداع شده و رواج یافته؛ زیرا در سفرنامه‌ها و تذکره‌ها، تا پیش از این دوره، اشاره‌ای بدان نشده است. در عهد ناصری، به‌تبع رونق مجالس تعزیه و سوگواری، جریان وعظ و خطابه هم رونق فراوانی یافت و تعداد بسیاری از واعظان در سراسر کشور، به‌عظ و خطابه اشتغال داشتند. شاخصه مهم و بی‌پدیل جریان وعظ و خطابه در عصر قاجار، تدوین کتاب‌ها و رساله‌هایی است که متون وعظ و خطابه را شامل می‌شدند. با وجود آن که در دوران ناصرالدین‌شاه، مجالس سوگواری گسترش بسیار یافتند، در عین حال از مقطع پایانی همین عصر هم مجالس مذکور به افول گرائیدند.

عزاداری عاشورا ابزار مهمی برای به‌جا آوردن فریضه «امر به معروف و نهی از منکر» است. یعنی تبلیغ و ترویج خشونت و جنگ!

افول مجالس روضه پس از چندی، گریبان‌گیر مجالس تعزیه هم شد. این روند نزولی از اواخر سلطنت مظفرالدین‌شاه، با ورود نهضت‌های جدید فکری از غرب به ایران، و خصوصاً با آغاز انقلاب مشروطه، شکل جدیدتری به‌خود گرفت. از انقلاب مشروطه به‌بعد، ورود موضوعات سیاسی و ضدحکومتی به‌مجالس عزاداری امام حسین مشاهده می‌گردد. دلیل این امر آن بود که تا قبل از مشروطیت، واعظان معروف بر اثر نداشتن آگاهی سیاسی و بعد مردمی، با دولت قاجار چندان احساس تضاد نمی‌کردند. اما هرچه از مشروطه می‌گذرد، رسانه منبر به‌طور فزاینده‌ای ضددولتی می‌شود.

پس از استقرار مشروطه، پاره‌ای تغییرات در مجالس عزاداری اعمال شد؛ از جمله از محرم سال ۱۳۲۵ قمری، ساز و طبل را به‌علت آن‌که خلاف شرع است، موقوف کردند. عموماً در این دوره، مذهب در مقابل تجددگرایی و سکولاریسم تضعیف گردید و مشروطه از مشروعه پیشی گرفت.

در دوران پهلوی و به‌ویژه در نیمه دوم سلطنت رضاشاه، مذهب و شعائر مذهبی با سخت‌گیری‌های مواجه شد و ظاهراً تحت‌الشعاع برنامه‌های تجددگرایانه حکومت قرار گرفت.

با سقوط رضاخان در شهریورماه ۱۳۲۰ شمسی و قدرت گرفتن محمدرضا و استقرار سلطنتش، از شدت محدودیت‌های مذهبی کاسته شد. سال‌های پیش از انقلاب و با شروع تحریکات اجتماعی و مبارزاتی پیرامون آن، موقعیت وعظ و منبر در این مجالس پررونق شد. شاه خودش هم مبلغ و مروج خرافات مذهبی بود به‌طوری که او در گفتگو با ارویانا فالاجی، ادعا کرد که دو برای او وحی آمده است.

دورکیم، معتقد است: «همه ادیان متضمن اعمال تشریفاتی و شعائری منظمی هستند که در آن گروهی از مومنان گرد هم می‌آیند. در مراسم جمعی، حس هم‌بستگی گروهی تأیید و تقویت می‌شود، در واقع تشریفات و شعائر از نظر دورکیم، برای پیوند دادن اعضای گروهی ضروری است. از این روست که آنان نه‌فقط در وضعیت‌های عادی پرستش، بلکه در بحران‌های گوناگون زندگی که در آن تغییرات عمده اجتماعی تجربه می‌شوند، مانند تولد، ازدواج و یا مرگ یافت می‌شود.» (گیدنز، ۱۳۸۲، ص ۱۰۵)

پس از صفویان در دوره‌های زندیه و قاجار نیز برپائی مراسم دهه عاشورا همچنان پررونق باقی ماند. کریم‌خان زند، به تقلید از شاهان صفوی در ماه محرم هیات‌های عزاداری را برپا می‌کرد، شاخصه مهم این مقطع از تاریخ، شکل‌گیری اولین نمونه‌های مجالس شبیه‌خوانی است.

هرچند دورکیم معتقد بود که مذهب رو به زوال خواهد رفت و اعمال و تشریفات بخش کوچکی از زندگی انسان‌ها را در برخواهد گرفت، اما در ایران چنین نشد، بلکه دین به حاکمیت دست یافت.

بی‌شک انقلاب ۵۷ مردم ایران را که برای «نان، مسکن، آزادی بود» طرفداران تداوم سنت عاشورا، کارکرد «احیای اسلام» را بعد از چهارده قرن، با سرکوب خونین این انقلاب آغاز کردند و دوباره به آن کارکرد سیاسی بخشیدند.

دوران جنگ ایران و عراق را می‌توان دوره تأثیرگذار دیگری در تاریخ حیات هیات‌ها و مجالس مذهبی دانست. زیرا با آغاز این جنگ، شاخصه مهم هیات‌های مذهبی، پررنگ کردن و محوریت دادن به جنگ اما حسین و بسیج نیروهای مذهبی و اعزام آن‌ها به جبهه‌های جنگ بود. آخوندهای حاکم در این دوره، مشابه دانستن و تطبیق جنگ حسین و جنگ خودشان، گفتمان رایج نظام تبلیغاتی دوره جنگ محسوب می‌شد. از این‌رو، حاکمیت در میان بخشی از مردم شهادت‌طلبی را ایجاد شده بود که این روحیه در جریان برگزاری مجالس عزاداری محرم تشدید و تقویت می‌شد. چرا که این مجالس، کم‌کم در فضائی جدید نسبت به زمان جنگ شکل گرفت. به عبارتی، با شروع جنگ، فضای این مجالس در جهت پررنگ شدن نقش نوحه‌خوانی و مداحی با مضامین حماسی و شهادت‌طلبانه، تغییر یافت. با پایان یافتن جنگ، همچنان فضای عزاداری‌ها در جهت تقویت مداحی و غلبه احساس و عاطفه بر عقل در مجالس گرم بود. از جمله تغییرات مهم که در این مقطع آغاز شد و تا به امروز ادامه یافته، گسترش موج جدیدی از هیات‌های عزاداری است که جوانان را همچنان در فضای جنگ و جهاد و شهادت نگه دارند.

به این ترتیب، پس از انقلاب بهمن ۵۷، نماد و مفاهیم عاشورائی، به یکی از سیاست‌های پایه‌ای و مهم حاکمیت تبدیل گشت.

مذهب و کودکان

قاسم فرزند امام حسن مجتبی است. گفته می‌شود با این‌که در واقعه کربلا، نوجوانی کم سن و سال بود اما وقتی به میدان رفت بر خلاف انتظار لشکریان دشمن، چنان با شهامت و دلیرانه جنگید و بر قلب دشمن تاخت تا این‌که بر او حمله کرده و شهیدش کردند. سن آن را ۱۳ سال نوشته‌اند.

یکی دیگر از داستان‌هایی که درباره قاسم بیان می‌شود مربوط به قصه دامادیش در کربلا و ازدواج او با فاطمه بنت الحسین در میان جنگ است! هدف گروه‌های اسلامی و در این‌جا حکومت اسلامی ایران با برجسته‌کردن داستان قاسم در سناریو سیاه کربلا، این است که توجه بچه‌ها و نوجوانان را به جنگ و شهادت جلب کنند. هم‌اکنون اگر به صفوف گروه‌هایی همچون «داعش» یا بسیج و سپاه حکومت اسلامی و لشکر فاطمیون حکومت اسلامی در جنگ داخلی سوریه بیاوریم کودکان بی‌شمار کم سن و سالی را غرق در اسلحه و لباس نظامی می‌بینیم. بخش عمده لشکر فاطمیون و حافظان حرم در سوریه را کودکان افغانی تشکیل می‌دهند که به زور و تطمیع و وعده و وعید به این جنگ فرستاده شده‌اند. تاکنون نیز صدها تن از آن‌ها در دفاع از حکومت آدمکش بشار اسد جان باخته‌اند. بنابراین هدف از داستان قاسم، تشویق کودکان به جنگ و خشونت است.

بنابراین، محرم را شاید بتوان یکی از خشن‌ترین و عذاب‌آورترین ماه‌ها برای جامعه ایران، به‌ویژه کودکانی دانست که در خانواده‌هایی شیعه و به‌خصوص در کشورهایی همچون ایران که در قدرت هستند به دنیا می‌آیند. در ایران که تلویزیون حکومت اسلامی، همواره حالتی حزن‌آلود دارد، از یک هفته مانده به شروع محرم تا آخر ماه صفر یعنی چیزی حدود ۲ ماه به‌شدت خسته‌کننده‌تر و خرافاتی‌تر می‌شود و برنامه کودک هم از این قاعده مستثنی نیست. در این دو ماه، تقریباً کلیه موسیقی‌های شاد و برنامه‌های خنده‌دار از تلویزیون حذف می‌شوند. در برنامه کودک و لباس‌های سیاه و

تیره بر تن مردم و یا پارچه‌های عزای آویزان بر خیابان‌ها و کوچه‌ها گرفته تا انواع مراسم سینه‌زنی و نوحه‌خوانی و مراسم شیرخوارگان حسین و فدائیان علی اصغر و غیره، همه و همه جوی سراسر حزن‌آلود و غم‌انگیز همراه با گریه، غم و تاریکی را در جلوی دیدگان کودک قرار می‌دهند که نوعی از شکنجه روحی و روانی است. تازه قم‌زدن کودکان و ایجاد شکاف در پیشانی نوزادان جزئی از مراسم عزاداری حسین در روز عاشورا است که همه ساله توسط عده زیادی از مردم خرافاتی اجرا می‌شود و صحنه‌های وحشتناکی را پدید می‌آورد.



صحنه‌هایی از نمایش حمله لشگریان یزید به‌خیمه‌های امام حسین (ایران)؛ کودک را به‌این شکل هولناک شکنجه می‌کنند تا بگویند علی اصغر مظلوم بود...!

یکی از دلایل اذیت و آزار کودکان در این ماه را می‌توان اعتقاد شیعیان به‌کشته شدن نوزادی به‌نام «علی اصغر» به‌علت فرو رفتن تیر در گلو در جریان جنگ حسین و یزید در صحرای کربلا در سال ۶۱ هجری دانست. تلقین حس مظلومیت علی اصغر و برانگیختن احساسات عمومی جهت ترویج عزاداری‌ها، از جمله عوامل اصلی تحت فشار قرار دادن کودکان و ارتکاب اعمال جنایت‌کارانه مانند قم‌زنی و وارد آوردن دیگر انواع آسیب‌های جسمی و روحی از سوی پدران و مادران به‌شدت مذهبی به‌کودکان خردسال در ماه محرم است.

وارد کردن فشار روحی شدید به‌کودکان خردسال و به‌گریه انداختن آن‌ها به‌منظور تحریک احساسات عمومی و همچنین نشان دادن علاقه خود به علی اصغر!

نوحه خواندن برای کودکان، فرو بردن آن‌ها در حزن و اندوه و وادار کردن آن‌ها به‌سینه زدن در حالی‌که اساساً آن‌ها نه می‌دانند حسین که بود و نه می‌دانند چرا باید غمگین و ناراحت باشند!

بهربرداری از کودک خردسال جهت تحریک احساسات عمومی از طریق وادار کردن وی بهنوحه خوانی در مجالس عزای حسین، در حالی که کودک اساساً نمی‌داند این چیزهایی که برایش نوشته‌اند تا بخواند به‌چه معناست و مردم برای چه گریه می‌کنند و بر سر و سینه خود می‌زنند!

یا تشویق دختران نه ساله در مدارس با برگزاری جنبش تکلیف به ازدواج است. یعنی در مذهب مردسالاری به حدی قوی و ریشه دار است که دختر بچه‌ها از نظر شرعی باید در دست‌ش جنسی مردان بالغ قرار گیرند. چه جنایتی بزرگتر از تجاوز به جسم دختر بچه‌هاست؟!

بنگاه دو نیش برای بازاریان و حکومتیان

علاوه بر آن‌چه که گفته به‌ویژه امروز ماه محرم، یک بازار بزرگی برای سرمایه‌داران حکومتی و خصوصی محسوب می‌شود. هم‌چنین نهادها و عوامل حکومتی نیز در این روزها میلیون‌ها دالر به‌جیب می‌زنند. به عبارت دیگر، اگر ماه محرم برای شهروندان عادی، ماه حزن و اندوه و گریه و زاری و سر و کله خود زدن و نهایت خوردن لقمه غذایی مجانی است اما برای حکومت اسلامی ایران، بسیج مردم پشت ایدئولوژی و سیاست‌هایش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و هم‌چنین منبع درآمد بزرگ و کلانی برای نهادهای مذهبی تحت کنترل حکومت!

مردم ایران معادل ۲ هزار میلیارد تومان غذای نذری در ماه محرم توزیع می‌کنند و برنج، پرفروش‌ترین ماده غذایی در این ماه است.

روزنامه «شهروند» در مطلبی با عنوان «خرج عاشقان» نوشت: ایرانی‌ها معادل ۲ هزار میلیارد تومان غذای نذری در ماه محرم توزیع می‌کنند. براساس اعلام اتحادیه بنکداران مواد غذایی به «شهروند»، مصرف اقلام اساسی مانند برنج، روغن و حبوب در ماه محرم به‌طور میانگین ۳۵ درصد نسبت به‌ماه‌های عادی سال افزایش دارد که با توجه به‌سرانه مصرف این دسته از مواد غذایی، در ماه محرم مصرف برنج در ایران ۹۱ هزار تن، روغن ۴۱/۵ هزار تن و حبوب ۲۳ هزار تن بیشتر از بقیه‌ماه‌های سال است که ارزش مجموع این اقلام با توجه به‌گزارش بانک مرکزی از قیمت کالاهای اساسی، چیزی حدود یک‌هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان است.

این در حالی است که بنا به اعلام اتحادیه گوشت گوسفند و اتحادیه فروشندگان مرغ به «شهروند»، مصرف گوشت قرمز در ماه محرم معادل ۳۰ درصد و گوشت مرغ حدود ۳/۵ درصد بیشتر از سایر ماه‌های سال است. محاسبه ارزش این رقم نشان می‌دهد مجموع عزاداران امام حسین‌در ماه محرم ۸۶۱/۲ میلیارد تومان گوشت نذر می‌کنند. علاوه بر این بنا به اعلام اتحادیه تولیدکنندگان و فروشندگان پلاستیک و نایلون، در ماه محرم معادل یک‌میلیارد و ۲۰۰ میلیون ظرف یک‌بار مصرف استفاده می‌شود که ارزش تقریبی آن حدود ۲۶۴ میلیارد تومان است.

بر اساس گزارش بانک مرکزی، سرانه مصرف سالانه برنج برای هر ایرانی ۴۰ کیلوگرم، سرانه مصرف روغن بین ۱۸ تا ۱۹ کیلوگرم و سرانه مصرف حبوب حدود ۱۰ کیلوگرم است. به این ترتیب، هر ایرانی در ماه تقریباً ۳ کیلو و ۳۰۰ گرم برنج، ۱/۵ کیلوگرم روغن و ۸۳۰ گرم حبوب مصرف می‌کند.

محمد آقا‌طاهر، رئیس اتحادیه بنکداران مواد غذایی درباره میزان افزایش خرید مواد غذایی در ماه محرم به «شهروند» می‌گوید: در ایران دستیابی به‌آمارهای دقیق دشوار است و اتحادیه رقم مشخصی از میزان فروش واحدهای صنفی در دست ندارد، اما به‌طور میانگین در ماه محرم خرید کالاهای اساسی بین ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش دارد.

او درباره پرفروش‌ترین کالاهای اساسی در ماه محرم نیز توضیح می‌دهد: برنج پرفروش‌ترین ماده غذایی در ماه محرم است و روغن و حبوب در جایگاه‌های بعدی قرار دارند و البته اگر ماه محرم با فصل گرم سال یا نزدیک به آن مصادف

شده باشد، مصرف شکر در جایگاه چهارم قرار می‌گیرد که امسال نیز تقریباً می‌توان گفت شکر نیز جزو اقلام پرمصرف است.

در مجموع می‌توان گفت، عزاداران امام حسین در ایران حدود یک هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان برای خرید برنج، روغن و حبوب نذری صرف می‌کنند. این گزارش مربوط به سال ۱۳۹۵ است.

ایرنا محاسباتی در مورد هزینه‌های یک شب عزاداری ماه محرم انجام داده که خلاصه ۸۱ میلیارد تومان می‌شود و می‌افزاید: بعد از خوردن این نذری‌های میلیاردی، آرزوی شفاعت بیمارانی را می‌کنیم که به‌دلیل نداشتن هزینه درمان آرزوی مرگ می‌کنند. (کارشناسی حسابداری / زنجان)

معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران، در محرم سال ۱۳۹۶ گفته بود:

«امسال درخواست ۱۰ میلیارد تومان بودجه برای برگزاری هر چه بهتر اربعین حسینی را داشته‌ایم و تلاش می‌کنیم امسال براساس اعتبار تصویب شده هزینه داشته باشیم.»

به گزارش خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران، مجتبی‌اللهی در ششمین جلسه علنی شورای شهر تهران ری و تجریش در تشریح گزارش اقدامات شهرداری تهران در مراسم اربعین اظهار داشت: جلسه گذشته گزارشی از اقدامات در اربعین حسینی داده شد.

او افزود: به‌واسطه توانائی شهرداری تهران در کارهای اجرائی بسیار حائز اهمیت است. در وزارت کشور ۱۳ کمیته شکل گرفته در ۸ کمیته شهرداری تهران عضو است که مسوولیت اصلی در این کمیته‌ها را شهرداری تهران دارد.

عبداللهی خاطر نشان کرد: شهرداری تهران در راستای خدمت به زائران فعالیت لازم را داشته است. انتظاراتی وزارت کشور در راستای شرح وظایف از شهرداری تهران دارد.

معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران بیان داشت: این وظایف در راستای ارائه خدمات شهری در کربلا و سایر شهرهای مرتبط با اربعین حسینی است که ماموریت‌های شهرداری تهران از سوی وزیر کشور ابلاغ شده است.

عبداللهی گفت: در سال اول ۶ هزار کارگر به‌عراق اعزام کردیم در حالی که الان به یک سوم رسیده است که عمده آن‌ها داوطلب هستند.

عبداللهی افزود: در سنوات گذشته هر ساله ۵ میلیارد تومان بودجه مصوب داشته‌ایم که با توجه به آماده کردن زیر ساخت‌ها هزینه‌ها کاهش می‌یابد.

عبداللهی خاطر نشان کرد: امسال درخواست ۱۰ میلیارد تومان بودجه را برای اربعین امسال داشته‌ایم و تلاش می‌کنیم امسال براساس اعتبار تصویب شده هزینه داشته باشیم.

وی گفت: در سال‌های قبل نیز دو نفر از اعضای شورای شهر تهران بر نحوه هزینه‌ها در اربعین نظارت داشتند و این در حالی است که دومیلیون و پانصد هزار نفر زائر به‌اربعین می‌روند و یک حضور ۲۰ میلیونی را در راهپیمائی اربعین داریم.



این شکل از مواجهه با غذای نذری که در این بحث با عنوان غذای نذری یا غذای رایگان مورد بحث است، پدیده‌ای نوظهور به حساب نمی‌آید و خاستگاه آن را باید در تاریخ گذشته و به‌طور مشخص‌تری در دوران حکومت صفویان جست و جو کرد. در دوران صفویه است که دوباره قدرت سیاسی در دست حاکمان شیعی قرار گرفت و متعاقب آن مناسک محرم رونق گرفت و گونه‌ها و آئین‌های تازه‌تری از جمله سینه‌زنی، زنجیرزنی، روضه‌خوانی، مقتل‌خوانی و.. به آن افزوده شد. بخشی از این مناسک را نیز نذرهایی از جمله اطعام سوگواران با شیر، نان و شوربا در برمی‌گیرد.

در دوران پهلوی، غذای نذری اشکال دیگری به‌خود گرفت. در این دوران، به‌دلیل ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های اعمال‌شده از سوی رضاشاه، دسته‌های سوگواری دوباره از معابر عمومی به محافل خصوصی بازگشت و اشکال پنهان‌تری به‌خود گرفت. این شکل از سوگواری، میزبانان هیأت‌ها را وادار کرد که برای پذیرائی از سوگواران دست به‌کار تهیه نهار و شام شوند. در این دوران پخت غذا برای توزیع در بیرون از منزل مرسوم نبوده و تهیه غذا صرفاً برای پذیرائی از سوگوارانی صورت می‌گرفته که در جلسات منظم خانگی حضور می‌یافته‌اند. البته تنوع غذاهای نذری آن دوران نیز به‌گونه‌گونی امروز نبوده است.

اما از دوران پهلوی دوم، ممنوعیت‌ها پشت سر گذاشته شد و غذای نذری به‌شکل آشکارتری توزیع شد. با گذشت زمان، به‌تدریج آداب و رسوم نذردهنگی و گیرندگی تغییر یافت و این تغییرات به‌شکل سازمان‌یافته‌ای در کلیت مناسک سوگوارانه امروز قابل مشاهده است.

امروز این امر به‌یک نمایش چندش‌آور بازای و کالائی تبدیل شده و به‌نوعی هم‌چشمی و رقابت برای پرهزینه‌تر جلوه‌دادن غذاهای رایگان میان دهندگان آن تبدیل گشته و روزبه‌روز پولداران بیش‌تری به‌شکرت در این جنبش همگانی ترغیب شوند. اگر پیش‌تر غذای نذری تنها محدود به تعدادی غذای آئینی مانند قیمه، حلوا، حلیم، شلم‌زرد، قیمه و انواع آش بود، امروزه طیف وسیعی از غذاهائی هم‌چون انواع کباب (جوجه، برگ، کوبیده، سلطانی و..)، فسنجان، باقالی‌پلو با گوشت، چلوگوشت، قورمه‌سبزی، قیمه‌بدمجان، زرشک‌پلو با مرغ و.. را شامل می‌شوند که البته باید به این لیست، انواع نوشیدنی‌ها و پیش و پس‌غذاها را نیز اضافه کنید. ظاهراً غذاهائی که غالباً دهندگان در تهیه آن‌ها متحمل هزینه‌های زیادی شده‌اند اما خود این‌ها در دستگاه دولتی و یا دستگاه خصوصی از یک طرف این کالاها را با قیمت گرانی می‌فروشتند و از سوی دیگر، بخشی از آن را به‌صورت رایگان بین مردم توزیع می‌کنند تا بلکه وجهه‌ای برای خود دست و پا کنند. در این میان، میلیاردها تومان توسط نهادها و عوامل حکومتی به جیب زده می‌شود. چرا که دخل و خرج این نوع مراسم‌ها را نمی‌شود دقیق بررسی کرد و یا مورد نظارت قرار داد. مهم‌تر از همه کمک‌های بی‌حساب و کتاب مردمی به‌مراکز مذهبی نیز قابل کنترل نیست و بخش اعظم آن را آخوندها و اطرافیان‌شان به‌جیب بلندبالای عیای خود سرازیر می‌کنند تا اشک مردم را درآورند و احساسات مردمان مذهبی را گرو بگیرند. در پایان این مراسم‌ها، شهرها به تلی از اشغال تفاله غذاها و ظروف یکبار مصرف پلاستیکی و غیربهداشتی تبدیل می‌گردد که برای بهداشت عمومی جامعه به‌ویژه برای کودکان خطرناک و مضر است.

در این روزها هرگونه شای بر مردم «حرام» است. برای مثال در تهران، سینماها را برای ۵ روز تعطیل می‌گردند. اما در عین حال، جاده‌های منتهی به‌شمال از لبریز از اتومبیل می‌شود تا مردمی که از این نوع مراسم بیزارند و آن را تحقیر انسان می‌دانند روزهای تعطیلی خود را در شمال بگذارند.

محرم ۱۳۹۷ و هزینه‌ها

افزایش قیمت در این بخش از ۱۰ تا ۵۰ درصد و البته برای کالاهای چینی تا ۱۰۰ درصد نیز اعلام شده است. در این بازار کالاها از پنج هزار تومان آغاز و به ۲۰ میلیون تومان نیز رسیده است.

قیمت‌های بالا و میلیونی مربوط به علامت و خیمه‌های تعزیه است. همچنین با رسیدن ماه محرم بسیاری از مردم به توزیع نذورات خود می‌پردازند که برای خرید ظروف یکبار مصرف با افزایش سرسام‌آور قیمت این ظروف روبه‌رو شدند. با این وجود همچنان تقاضا در بازار وجود دارد اما عرضه به شدت کاهش یافته است. بر اساس آمارهای منتشر شده مواد اولیه ظروف پلاستیکی شفاف قبل از افزایش قیمت‌ها، کیلونی هفت هزار تومان بوده است، اما امروز هر کیلو به ۲۰ هزار تومان نیز رسیده و رشد ۳۰۰ درصدی را نشان می‌دهد، مواد اولیه ظروف یکبار مصرف مانند لیوان کیلویی ۱۰ هزار تومان بوده است اما به ۱۸ هزار تومان رسیده و مواد اولیه فوم برای ظروف ویژه غذا ۹۰ هزار تومان بوده که به ۱۲۰ هزار تومان رسیده است. همچنین مواد اولیه پلاستیک که شش هزار تومان بوده امروز با رقم ۱۷ هزار تومان به تولیدکننده عرضه می‌شود. قیمت لیوان ۹۵۰ گرمی از بسته‌ای هشت هزار تومان به ۲۷ هزار تومان رسیده و ۳/۲ برابر گران شده، کاسه بسته‌ای ۳۰ هزار و مان بوده که به ۸۰ هزار تومان رسیده است، در واقع قیمت همه اقلام رشد ۳۰۰ درصدی را نشان می‌دهند و در چنین شرایطی است که تولیدکنندگان اقدام به فروش و عرضه کالا به بازار نمی‌کنند.

در بخش ادوات و لوازم عزاداری محرم با وجود این‌که بیشتر محصولات این بخش در داخل تولید می‌شود و فقط ۲۰ درصد آن‌ها از چین وارد می‌شود، افزایش قیمت‌ها این بازار را نیز بی‌نصیب نگذاشته است، چرا که به گفته فروشندگان، افزایش قیمت دالر باعث افزایش قیمت آهن شده است و بیشتر این وسایل نیز از آهن ساخته می‌شود. همچنین قیمت نخ، پارچه و رنگ نیز که معمولاً وارداتی هستند افزایش یافته. به گزارش ایسنا، فروشندگان می‌گویند قیمت‌ها امسال نسبت به سال گذشته در بعضی از وسایل حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد و در بعضی دیگر ۲۵ تا ۵۰ درصد افزایش داشته است و به گفته یکی از مغازه‌داران بعضی از کالاهای چینی حتی تا ۱۰۰ درصد هم گران شده است. در این میان طبل، زنجیر و لوازم تعزیه پرفروش‌تر از دیگر وسایل عزاداری است که با افزایش قیمت همراه هستند. بر اساس مشاهدات از بازار لوازم عزاداری در ماه محرم، به‌طور میانگین قیمت فروش طبل از ۴۰۰ هزار تومان تا یک میلیون و ۵۰ هزار تومان است. همچنین زنجیر که از پرمصرف‌ترین کالاها در این مدت است، ۱۳ هزار و ۵۰۰ تا ۱۵ هزار تومان فروخته می‌شود.

رئیس اتحادیه فروشندگان پلاستیک و نایلون گفت: قیمت ظروف یکبار مصرف نسبت به محرم سال گذشته ۶ برابر شده و این امر قدرت خرید مردم را کاهش داده است. سیدرحیم مقیمی‌اصل، درباره قیمت ظروف یکبار مصرف اظهار کرد: قیمت ظروف یکبار مصرف، نسبت به سال گذشته پنج تا شش برابر افزایش یافته است. او ادامه داد: پتروشیمی‌ها با توجه به امکاناتی که از دولت دریافت می‌کنند، باید به کارخانه‌های وابسته خدمات بیشتری ارائه دهند. رئیس اتحادیه فروشندگان پلاستیک و نایلون با تأکید بر خودکفایی کشور در زمینه تولید مواد پتروشیمی بیان کرد: افزایش قیمت مواد پلاستیکی سبب بالا رفتن قیمت تمامی مواد پلاستیکی شده است در حالی که کشور ما برای تولید مواد پتروشیمی به هیچ ماده اولیه‌ای نیاز ندارد. مقیمی در پاسخ به افزایش قیمت ظروف پلاستیکی در آستانه ماه محرم گفت: قیمت ظروف یکبار مصرف از جمله لیوان و سفره نسبت به محرم سال گذشته شش برابر شده و این امر قدرت خرید مردم را کاهش داده است. او در پایان تصریح کرد: از سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و سازمان تعزیرات حکومتی خواستار پیگیری تخلفات پتروشیمی‌ها هستیم.

هرساله در آستانه ماه محرم تقاضای محصولات پرمصرف افزایش مییابد، برای تنظیم بهتر بازار و تأمین اقلام به قیمت مناسب دولت کالاهای اساسی از جمله برنج، گوشت، مرغ و شکر را توسط شرکت بازرگانی دولتی ایران و شرکت پشتیبانی امور دام استان‌ها برای مصرف نذورات هیات‌های مذهبی و تکایا تأمین می‌کند که امسال با توجه به تخصیص ارز دولتی به نرخ ۴۲۰۰ تومان برای واردات کالاهای اساسی مورد نیاز کشور، این اقلام در بازار مصرف برای همه اقشار با نرخ دولتی باید عرضه شود.

مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی، تأمین، توزیع، تنظیم بازار و ذخایر راهبردی وزارت جهاد کشاورزی، درباره عرضه کالاهای اساسی در محرم امسال اعلام کرد: در آخرین جلسه کارگروه تنظیم بازار تصمیم گرفته شده که برای ایام محرم نظارت‌ها بیشتر شود تا اقلام وارداتی با دالر دولتی به نرخ منطقی به فروش برسد.

به‌گزارش ایسنا، مسعود بصیری با اشاره به خیرات و نذورات در ماه محرم توسط تکیه‌ها و مساجد، اظهار کرد: امسال طبق روال هر ساله نیست، چراکه دولت ارز دولتی به نرخ ۴۲۰۰ تومان برای واردات کالاهای اساسی اختصاص داده است. لذا این محصولات با قیمت دولتی در اختیار همگان قرار می‌گیرد. همچنین مدیرعامل شرکت پشتیبانی امور دام اعلام کرد که هیچ نگرانی برای تأمین بازار ماه محرم نیست و هیات‌های مذهبی مانند دیگر مصرف‌کنندگان می‌توانند گوشت قرمز و گوشت مرغ مورد نیاز خود را به نرخ مصوب ابلاغ‌شده، از ادارات این شرکت یا فروشگاه‌های زنجیره‌ای و مراکز منتخب تأمین کنند.

حمید ورناصری درباره وضعیت بازار ماه محرم و برنامه‌ریزی برای تأمین گوشت قرمز و گوشت مرغ مورد نیاز مردم این‌گونه توضیح داد که هیچ مشکلی برای تأمین بازار ماه محرم نداریم و طی هفته‌های گذشته با کاهش قیمت در بازار گوشت قرمز و گوشت مرغ مواجه شده‌ایم. او با تأیید این خبر که امسال یارانه ویژه‌ای برای تأمین گوشت و کالاهای اساسی مورد نیاز هیات‌های مذهبی در نظر گرفته نشده است، اظهار کرد: همه می‌توانند با مراجعه به واحدهای استانی شرکت پشتیبانی امور دام هر کیلوگرم گوشت قرمز منجمد گوساله را به‌صورت عمده‌فروشی ۲۷ هزار تومان و به‌صورت خرده‌فروشی کیلوئی ۲۹ هزار تومان تأمین کنند. البته حتی قیمت برای مصرف‌کننده نهائی ۲۹ هزار تومان بوده که مردم می‌توانند از طریق فروشگاه‌های زنجیره‌ای سازمان میادین میوه و تره‌بار و مراکز منتخب، این محصول پروتئینی را خریداری کنند.

معاون امور تولیدات دامی وزارت جهاد کشاورزی گفت که تدابیر لازم برای تأمین بازار مواد غذایی و پروتئینی ماه محرم و همچنین نیاز بازار تا پایان سال اندیشیده شده است. به‌گزارش خبرگزاری امنیتی تسنیم، مرتضی رضائی اظهار کرد: سالانه ۱۹۰ هزار تن گوشت مرغ در کشور تولید می‌شود و بازار این محصول از ثبات کافی برخوردار است. او با اشاره به در پیش‌بودن ماه محرم و برنامه‌های این وزارتخانه برای تنظیم بازار فرآورده‌های پروتئینی دامی در این ماه گفت: در این ماه و با هدف تنظیم بازار و کمبود تولید گوشت قرمز، به‌میزان کافی گوشت گوساله وارداتی و گوشت گرم گوسفندی علاوه بر تولیدات داخلی تأمین شده تا با قیمت مناسب یعنی ۲۹ هزار تومان برای گوشت گوساله و ۳۵ هزار تومان برای گوشت گوسفندی به‌صورت شقه یا نیم‌شقه عرضه خواهد شد. همچنین رئیس اتحادیه فروشندگان پرند و ماهی نیز در این‌باره گفت: قیمت مرغ در خرده‌فروشی‌ها به ۹۷۰۰ تومان رسیده که این کاهش قیمت به ضرر تولیدکنندگان است.

به‌گزارش ایلنا، مهدی یوسف‌خانی درمورد کاهش قیمت مرغ در بازار اظهار کرد: قیمت مرغ روند کاهشی را از اواخر هفته گذشته داشته و در حال حاضر قیمت مرغ زنده ۵۷۰۰ تومان، در کشتارگاه ۷۸۰۰ تومان و تحویل در واحدهای صنفی با قیمت ۸۹۰۰ تومان به فروش می‌رسد. او با اشاره به نوسانات تقاضا در ایام ماه محرم و صفر اذعان

داشت: در ماه محرم و صفر هم افزایش تقاضای چشمگیری به وجود نمی‌آید و تنها بخشی از مرغ‌های سبکوزن به فروش می‌رسد که در روزهای اول ماه محرم این روند اتفاق می‌افتد و پس از آن مجدداً با کاهش تقاضا مواجه می‌شویم.

رشد آتئیسم در ایران

سرکوب سیمتاتیک زنان و رعایت کامل همه قوانین و رسومات مذهبی در جامعه ایران به زور شلاق، سرکوب، وحشت، زندان، شکنجه و اعدام در این چهل سال نتوانسته است از رشد آتئیسم در جامعه ایران جلوگیری کند. همچنین برخی نیز برای این که نفرت خود را از اسلام نشان دهند به مسیحیت روی می‌آورند. بنابراین، شاید با زور بتوان مردمی را وادار به اهدافی کرد که قبول ندارند اما در درازمدت ممکن نیست.

پس از درگذشت استیون هاوکینگ فیزیکدان و کیهان‌شناس برجسته بریتانیایی، بحث‌های دامن‌داری در شبکه‌های اجتماعی فارسی‌زبان در گرفت. محور عمده این بحث‌ها، غالباً دیدگاه جنجالی هاوکینگ درباره خودبه‌خودی بودن پیدایش جهان و عدم وجود خدا بود. استیون هاوکینگ، تنها دانشمندی نیست که با استقبال خداناباوران روبه‌رو شده است. آثار ریچارد داوکینز، زیست‌شناس مشهور بریتانیایی، دنیل دنت، سم هریس، کریستوفر هیچنز به‌گسترش روزافزون آن بخش از بی‌خدائی در ایران منجر شده است که می‌توان آن را «آتئیسم علمی» نامید.

به‌عبارت دیگر در چنین اندیشه‌ای رد خدا و مذهب، نتیجه طبیعی مطالعه در فیزیک و کیهان‌شناسی و همچنین زیست‌شناسی فرگشتی و نظریه تکامل است. این نگرش به‌لحاظ بنیادین متفاوت از آتئیسم فلسفی است. آتئیست‌ها، اغلب ارتباطی با استدلال‌های فلسفی یا تاریخی و اجتماعی ندارد و به‌صورت عمده، برگرفته از مطالعه و تحلیل متون علمی و درک نظریات فیزیک جدید و زیست‌شناسی تکاملی و نظایر آن است.

بر اساس این تلقی از آتئیسم، بر خلاف برداشت‌های قدیمی‌تر از بی‌خدائی، دین یک پدیده مضر و خطرناک برای صلح و آینده بشریت است و نه تنها نباید تحمل شود، بلکه باید در کشاکش بحث با دین‌داران، مورد انتقاد قرار گرفته و با استناد به علم و استدلال منطقی افشا شود. از دید آتئیسم علمی و بی‌خدائی نو، تأکید دین روی مفهوم حاکمیت الهی، اندیشه ویران‌گری است که حاصلی جز جزم‌اندیشی، تعصب، دگماتیسم و فرقه‌گرایی ندارد و تجربه تاریخ بشر نیز نشان داده که بسیاری از جنگ‌ها و کشتارها در سراسر جهان، منشاء دینی داشته و اینک بشر با رد دین و جایگزینی آن با علم می‌تواند به آرامش و امنیت و صلح پایدار دست یابد.

در این بین، ایران از جمله هفت کشوری است که آتئیسم در آن بر اساس این گزارش با خطر مجازات مرگ روبه‌رو است.

چند سال پیش، مارکوس لاتون روزنامه‌نگار آلمانی در نشریه «دی تسایت» گزارش مفصلی درباره رواج آتئیسم در ایران نوشت و بیان داشت، آتئیسم در ایران با خطر مجازات مرگ روبه‌روست اما همه ساله ایرانیان بیش‌تری خود را به‌عنوان بی‌دین معرفی می‌کنند، ولو به‌شکلی غیر علنی. لاتون در گزارش خود با دانشجویانی مصاحبه کرده که با مطالعه آثار نیچه، شوپنهاور و فروید و همچنین ریچارد داوکینز و کریستوفر هیچنز و کتاب‌های ممنوعه در قالب کتاب‌های الکترونیکی (ایبوک) کیندل با دیدگاه‌هایی روبه‌رو شده‌اند که باعث شده به‌تدریج از روایت رسمی ایدئولوژی و مذهب رایج فاصله بگیرند.

نکته جالب توجه این‌جاست که گزارش سال ۲۰۱۲ لاتون، از فیس‌بوک فارسی‌کانون اگنوستیک‌ها و آتئیست‌های ایران نام برده و از این مسأله حیرت‌زده شده که ۲۷ هزار نفر این صفحه را لایک کرده‌اند. تعداد لایک‌های این صفحه که در

گزارش لاتون ذکر شده اکنون با گذشت حدود ۶ سال به حدود ۱۹۹ هزار نفر رسیده و به عبارت دیگر هفت برابر افزایش پیدا کرده است.

بر اساس اندیشه قرون وسطائی، عقیده به آفرینش و حدوث جهان، نتیجه‌اش شناسائی طبیعت با مشاهده تفصیلی جزئیات آن بود. کتاب‌های نقد دین، از آثار صادق هدایت و کسروی گرفته تا شجاع‌الدین شفا و علی دشتی هنوز در بازار دست‌فروشی‌ها و به‌عنوان کتب ممنوعه در ایران خرید و فروش می‌شوند.

موج مخالفت با مذهب رسمی در ایران، البته موضوع تازه‌ای نیست. سال‌ها پیش، صادق هدایت با نوشتن کتاب‌هایی نظیر توپ مرواری یا کاروان اسلام، نقد تندى به‌باورهای دینی اسلامی وارد کرده بود.

آتهئیسم Atheism یا در زبان فارسی بی‌خدائی (خدا انکاری یا خداناباوری) در معنای مصطلح آن به‌مفهوم انکار وجود خدا است. نگرشی که به‌لحاظ تاریخی از قرن ۱۸ میلادی به این‌سو شکل گرفته و طیف‌های گوناگونی را نیز در بر می‌گیرد.

اساساً بی‌خدائی محصول گسترش آزادی اندیشه و همچنین توسعه علم و تکنولوژی است و بر این باورند، فلسفه‌های جدید مبتنی بر اومانیسم و همچنین ظهور علم مدرن به‌خصوص در زیست‌شناسی (داروینیسیم) و فیزیک و ژنتیک، به‌گسترش روزافزون نگرش آتهئیستی در جوامع دامن زده که جامعه ایران نیز از آن مستثنی نیست.

فویرباخ دین را «به رویای اندیشه انسانی» تشبیه می‌کند و می‌گوید که این رویا در عالم بیداری روی می‌دهد. از نگاه او، انسان در قالب دین وجود خود را در موجودی خیالی به‌نام خدا منعکس می‌سازد، هر چند به‌گمان فویرباخ چنین فرآیندی که روند «جدائی انسان از خویش است»، همانند هنر و زبان، روندی ضروری است، زیرا به‌انسان، به‌ویژه در جوامع باستانی، اجازه و امکان می‌داد و می‌دهد که به‌هستی یا به‌خویش‌تن‌اش عینیت ببخشد. اگر از نگاه فویرباخ، دین نخستین تبلور خودآگاهی است، این آگاهی در توهم محض، در از خودبیگانگی و در تجسم طبیعت انسان در وجودی ساختگی، شکل می‌گیرد.

نقد از خودبیگانگی دینی توسط فویرباخ پیش درآمد نقد مارکس بر دین نیز هست که می‌گفت: از خودبیگانگی تحقق انسانیت انسان در وجودی خیالی به‌نام خداست که مانع از تحقق انسانیت انسان در زندگی واقعی‌اش می‌شود. به‌این ترتیب، ایثار و از خودگذشتگی انسان در قبال این موجود خیالی جای ایثار و از خودگذشتگی انسان در قبال انسان را می‌گیرد و تکالیف انسانی در قبال خدا جایگزین وظایف انسان در قبال هم‌نوع‌اش می‌شود.

از نگاه فویرباخ دین ذاتاً انسان‌ستیز است. زیرا، غنای خدا بستگی مستقیم به‌فقر انسان دارد و برای آن‌که خدا به‌همه چیز، به‌ویژه به‌قادر مطلق، تبدیل شود، انسان باید در نیستی فرو افتد و از انسانیت‌اش تهی شود. به‌قول فویرباخ «انسان خود را قربانی خدا می‌کند» و انسان مذهبی لزوماً از فقر انسانی رنج می‌برد. فویرباخ می‌گوید برای رهایی از این فقر باید رابطه انسان با خدا را معکوس کرد. یعنی باید انسان را به‌خدا تبدیل کرد و رسیدن به‌این مقصود نیازمند رجعت به‌انسان است که از نظر فویرباخ «عالی‌ترین ارزش» است.

پایان سخن

نهایتاً در گفتمان دینی، اجرای مناسک عزاداری عاشورا به‌عنوان ابزاری تبلیغی در جهت ترویج معارف و شعائر دینی در نظر گرفته می‌شود که در ساختارهای بنیادی از جمله در پرداختن به‌مضامین عزاداری، اندوه، مصیبت و نظایر آن، تبعیت بدون چون و چرای مردم از حاکمیت است. این ادبیات آمرانه در سطوح بالای روحانیان یعنی مراجع، به‌شکل پررنگ‌تر و جدی‌تری به‌چشم می‌خورد.

دین و مقولات پیرامون آن از جمله مناسک دینی در جامعه امروز ایران، به واسطه حاکمیت دینی و همچنین سنت‌های جان سخت تاریخی و فرهنگی مردم، از اساسی‌ترین موضوعات مورد توجه و چالش‌برانگیز به‌ویژه در فضاهای علمی و آگاهی است. در عین حال در این فضا، زمینه بسیار مناسبی برای شکل‌گیری آثار علمی و پژوهشی در نقد دین فراهم آمده که دنبال برآورده کردن نیاز مخاطب است.

هر چند در حال حاضر نقد دین، جسارت فوق‌العاده‌ای می‌خواهد. چرا که جان و زندگی منتقد دین، همواره در معرض خزر تروریست‌های حکومت اسلامی قرار دارند. آن‌ها حتی به‌منتقدین متوفی دین نیز حمله می‌کنند. برای مثال، «سیدعلی موسوی گرمارودی» در پی واکنش‌های هتاکانه نسبت به اظهارات اخیرش درباره کتاب «توب مرواری» گفت: «شک ندارم که حرف زدن درباره فردی مثل صادق هدایت و کتاب توهین‌آمیز او نسبت به عاشورا هزینه دارد و من هم پای آن و اعتقادم ایستاده‌ام.»

در نشست رونمایی از رمان «سه کاهن» که شنبه ۲۷ فروردین ماه در محل سرای داستان بنیاد ادبیات داستانی ایرانیان برگزار شده بود با واکنش‌های گسترده‌ای در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی مواجه شد.

گرمارودی در این نشست با اشاره به کتاب «توب مرواری» صادق هدایت، بی‌شرمانه گفته بود که «هدایت شرف ندارد و باید او را لعنت کرد که در کتابش آشکارا به امام حسین (ع) توهین کرده است.»

به‌طور کلی همه مذاهب خرافه‌ای بیش نیستند و یک از پایه‌های اصلی استثمار فکری و جسمی انسان هستند. ما در قرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم اما خرافه‌پرستی هنوز هم در این دنیا وجود دارد. این خرافه‌پرستی مذهبی، به‌ویژه زندگی کودکان و زنان را تباہ می‌سازد. انسان مذهبی، به‌برده مشت‌آلود مفت‌خور و دم و دستگاه مذهبی و حکومت‌های مذهبی تبدیل می‌گردد و به‌مرور زمان خصلت‌های انسانی‌شان را از دست می‌دهد.

شهروندان ایرانی دهه‌هاست که قصه‌هایی چون بهشت و دوزخ را کنار گذاشته‌اند. چون حکومت اسلامی، ایران را به دوزخ زندگان تبدیل کرده است و اکثریت شهروندان در آتش سرکوب و سانسور، زندان شکنجه، اعدام و ترور، فقر و فلاکت می‌سوزند و می‌سازند. امروز مردم خوزستان و سیستان و بلوچستان در گرمای زیاد و آلودگی هوا در جهنم واقعی زندگی می‌کنند. خشکی دریاچه نمک ارومیه و سایر دریاچه‌ها و تالاب‌ها و نابودی جنگل‌ها و حیوانات و کمبود آب و آلودگی شدید هوا، ایران را به جهنم تبدیل کرده است. عامل همه این همه بدبختی و فلاکت و فاجعه انسانی و زیست محیطی نیز جز حکومت اسلامی، کس دیگری نیست! همه انسان‌های آگاه به‌خوبی می‌دانند که پس از مرگ از زندگی خبری نیست تا بهشت و جهنمی در کار باشد از این‌رو، هر چه هست در این دنیاست و در دنیای پس از مرگ هیچ چیزی وجود ندارد. در ایرانی که برای مردگان و تبلیغ جنگ حسین برای قدرت و حاکمیت در ۱۴۰۰ سال پیش، میلیاردها دالر هزینه می‌کنند اما دستمزد ناچیز کارگران را به‌موقع پرداخت نمی‌کنند؛ زندگی سخت بازنشستگان برایشان اهمیتی ندارد؛ دیدن کودکان کار و خیابان‌ها در کوچه‌ها و خیابان‌ها و سر چهارراه توجه کسی را جلب نمی‌کند؛ گورخوابی و کارتن‌خوابی به‌یک امر عادی تبدیل شده است؛ کلیه‌فروشی و قرینه‌چشم‌فروشی و جنین‌فروشی به‌یک مسأله مرگ و زندگی و امرار معاش تبدیل شده است؛ معتادان و تن‌فروشان در همه جا سرگردان و قربانی‌اند؛ اهمیت به‌زیست و زندگی بیکاران، حاشیه‌نشینان، محرومان و بیماران نمی‌دهند و معترضین به‌وضعیت موجود و حاکمیت جانی، در زندان‌ها زیر شدیدترین شکنجه‌ها به‌سر می‌برند، سرشان بالای دار می‌رود و گلوله‌های آتشین به‌قلب‌شان شلیک می‌شود؛ جشن و شادی بر مردم حرام است و برگزارکنندگان جشن تولد، فارغ‌التحصیلی و ... شلاق می‌خورند، جریمه می‌شوند؛ حاکمان و اطرافیان آن‌ها در کاخ‌ها و برج‌ها و آپارتمان‌های آن‌چنانی زندگی می‌کنند و مردم در حلبی‌آبادها و منازل حقیر و تنگ با محرومت‌ها و نداری‌ها و ... ، زندگی سخت و دشواری دارند. البته اگر بشه اسمش را زندگی گذاشت!

بنابراین، دوزخ برای اکثریت شهروندان ایران، نه مکانی پر از وحشت و آتش و رنج در آینده، بلکه همین امروز در مقابل چشمان آن‌هاست. کافی‌ست که کمی تامل کنیم و به‌دور و بر خودمان با دقت نگاه کنیم تا ابعاد و اعماق این جهنم را تشخیص دهیم. اما برای رهائی از این جهنم، آگاهی و مبارزه متشکل و متحد شرط نخست آن است!

اما یک ویژه‌گی محرم امسال، تحریم اقتصادی ایران توسط امریکا و بالا رفتن گرانی و تورم و فقر و بیکاری و در عین سقوط بی‌سابقه ارزش ریال در مقابل سکه طلا و دلار و سایر ارزهای خارجی، فضای جامعه بسیار ملتهب است؛ مردم به‌شدت خشمگین و نگران هستند از این‌رو، احتمال دارد مردم حق‌طلب و معترض و در پیشاپیش همه جوانان جسور و آزاده، مراسم‌های محرم را به اعتراضات گسترده علیه حکومت اسلامی با شعار «نان، مسکن، آزادی» تبدیل کنند!

سه‌شنبه بیست و هفتم شهریور [سنبله] ۱۳۹۷ - هجدهم سپتامبر ۲۰۱۸